

# درد پر شور بر پاسداران، سر بازان، در جه داران، افسران و همه رزمندگان مسلح، که با دلیری و جانبازی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند!

مردم بالا گرفته، مستکرم، پستیانی، مردم مستحکم پذیرفته، پستیانی و حمایت همه جانبه خلق انقلابی ما از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، که در جبهه جنگ از انقلاب و کشور در برابر دشمن متجاوز دفاع میکنند، بنحوی شورانگیز بروز کرده است. این پستیانی، چشمه جوشان قیام در صفحه ۴

که دشمن متجاوز از آن بر بهره است و نمیتواند از آن بهره مند باشد. در این روزها که رژیم جنایتکار یعنی عراق، در اجرای نقشه آمریکا برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، جنگ متوسل شده، روحیه رزمنده خلق قهرمان ما تقویت انقلابی یافته، شور و شوق انقلابی

کند ما در مقابل، از انقلاب ضد امپریالیستی و خلق خود، از آزادی خود و از استقلال و تمامیت ارضی کشور خود دفاع میکنیم. و همین دلیل نیروهای مسلح ما، پارچه‌های، یا از خود گشتگی، با شجاعت و دلوری، یا لطیفان به پیروزی نهائی میبینند. این امتیاز بزرگ ما بر دشمن متجاوز است. امتیاز سرنوشت‌سازی است

انتظاری هم جز این نبود. جنگی که بر ما تحمیل شده است، از جانب عراق، جنگی است تجاویزی، غاصبانه و ظالمانه، و از جانب ما، دفاعی و عادلانه. ما با دشمنی روبرو هستیم که میخواهد انقلاب را با سرافرازی و شکست و مجدداً پیوغ اسارت امپریالیسم آمریکا را بر ما تحمیل

در تمام جبهه جنگ، و در تمام درگیری‌هایی که از هوا و زمین و دریایین تجاوزگران یعنی عراق و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران رخ داده، پاسداران، سر بازان، در جه داران، افسران و همه رزمندگان مسلحی که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند، از خود در جبهه انقلابی و دلوری شایسته‌تر گونه تحسین بروز دادند. و این مایه افتخار و سرافرازی آنها، مایه افتخار و سرافرازی خلق قهرمان ایران، نوید پیروزی بر دشمن متجاوز

**نامه مردم**

از کان مرکزی حزب توده ایران

دوره نهم، سال دوم، شماره ۲۴۴  
پخش ماهی ۱۳۵۹، شماره ۱۵، روز

## حزب کمونیست عراق: اکنون هماهنگی کامل میان سیاست امپریالیسم امریکای و رژیم عراق بر ضد ایران پدیدار شده است

### توده ایها در سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

درست نخواهد رسید و در تمام ناکامی‌ها بالاخره به نابودی خواهد رسید. تصور این حالت مشکل نیست که اگر یک جنبش انقلابی بر اساس اطلاعات نادرست، دوست و دشمن خود را با هم اشتباه کند و یکی را یغی دیگری بگذارد و یا اقدام دشمنی و تشنی را از

### توطئه جدید امپریالیسم امریکا در خلیج فارس

گرفته است. بگفته امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ما در واقع با آمریکا در جنگیم. اگر در اینباره کوچکترین شبهه‌ای موجود بود، پیشنهاد کتر، منبر هماهنگی اقدامات امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی برای پاسداری از منافع حیاتی غرب در منطقه خلیج فارس، چنین شبهه‌ای را از میان برداشت. بگفته سخنگوی رسمی دولت زاین، کارتر پیشنهاد کرده

### زنهار از «خط برژینسکی»

مشولانی که آمریکای جنایتکار از دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میشناسند و بسج و تبهیز تمام نیروی خلق قهرمان ایران را علیه شیطان بزرگ، شرط ضروری برای حفظ و تثبیت و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میدانند، نیز در این لحظات حساسی که جنگ تمام‌عیاری می‌شود، هراس و دزدانی بر ما تحمیل شده، رهس مجلس شورای اسلامی، امام جبه تهران و همه دیگر

### به جان من و تو

شب که تاریکی می افتد بیگانه به پام من و تو و خطر می برد رشته کلام من و تو شب که در سنگر خاموشی هم زمانیم شب که بیدار بنهار به غمخواری هم میمانیم

بتو می اندیشم و بخود مینگرم راستی را چه جدائی است میان من و تو اندر آنجا که خطر هاست به جان من و تو!

سیاوش کسرائی  
جمعه شب ۴ مهرماه ۱۳۵۹

### تشنج آفرینی بسود ضد انقلاب است

انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم امریکای جنایتکار را در جبهه داخلی و خارجی و در رسته‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک، شکست تمام‌عیاری می‌دهد. تبلیغات ضدتوده‌ای و ضد کمونیستی دوران رژیم دست‌نشانده پهلوی و در نتیجه تکرار یکریب قرن‌های ضدتوده‌ای، تصور بکلی غلط درباره حزب توده ایران داشتند. ولی در آزمایشگاه زندگی، برای همه مردم صدیق و شریف کشور و مقامات و مشولان مستبد و منصف جمهوری اسلامی ایران به تواتر به آفتاب رسید و روشن شد که تبلیغات و تصورات سابق درباره حزب توده ایران مبتنی عادلانه ندانسته است. اکنون که واقعت حزب توده ایران در بوته آزمایش زندگی قیام در صفحه ۴

### شورای کارمندان منطقه خطوط لوله - مخبرات ری (شرکت ملی نفت ایران) آماده دفاع از مرزهای میهن است

شورای کارمندان منطقه خطوط لوله - مخبرات ری (شرکت ملی نفت ایران) بنسبت تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران اطلاع‌های انتشار داده است. در این اطلاعیه آمده است:

شورای کارمندان منطقه خطوط لوله - مخبرات ری (شرکت ملی نفت ایران) بنسبت تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران اطلاع‌های انتشار داده است. در این اطلاعیه آمده است:

### سندیکای کارگران خطوط لوله و مخبرات نفت ری (شرکت ملی نفت ایران) پشتیبانی مجدد خود را از امام خمینی اعلام میدارد

به همین ما شروع کرده است، از کلیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، که شجاعانه بوزمزم دوران عراقی را بجاک مایه‌مانده، حمایت و پشتیبانی می‌نماییم و بدینوسیله میداریم.

### برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

شورای کارمندان منطقه خطوط لوله - مخبرات ری (شرکت ملی نفت ایران) بنسبت تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران اطلاع‌های انتشار داده است. در این اطلاعیه آمده است:

### زهار از خط...

بقیه از صفحه ۱

تاکید و تصریح میکنند که، این دست آمریکاست که از آستین رژیم چنی عراق بدرآمدن و تهاجم نظامی عراق جزئی از نقشه تبهکارانه آمریکای جهانفروار است که برای براندازی جمهوری اسلامی ایران طرح و بوقع اجرا گذارده شده است.

ولی پروان خط سیلیسی - تبلیغاتی رژیم چنی، حتی در این لفظات حساس، حتی در حالی که کشور در معرض تهاجم نظامی قرار گرفته و در حال جنگ است، کوشش خود را برای انحراف افکار عمومی و مبارزه عمومی از دشمن واقعی بسوی دشمن خیالی، ادامه میدهند. کوشش مستمر ایشان در جهت توسعه و تعمیق سوختن نسبت به اتحاد جماهیر شوروی، تیرساختن مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی است. ضمانت از حمایت اتحاد شوروی از انقلاب جمهوری اسلامی ایران است، زیرا بنابه دستور رژیم چنی:

**«بصیحه رئیس جمهور (کارت) پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خینی خصوصا توسط اتحاد شوروی، حتما به تصفیح مواضع سیاسی خارجی رژیم خینی منجر خواهد شد.»**

برای پروان خط رژیم چنی، هرگونه عوامفریبی، هرگونه دروغسازي، هرگونه تهمت و افترا مجاز است. میتوان ایندولوزی رژیم چنی عراق را به نوعی به «مارکسیسم» چسانند می توان نظام اجتماعی عراق را بگونه‌ای سوسیالیستی قانید، میتوان حتی باین عوامفریبی از آن تامل نمود که، چون بخشی از اسلام عراق «دوسی» است و تاکید و تکرار که این اسلحه «دوسی» است، به مردم تلقین کرد که گویا در سینه هم در تهاجم عراق بایران دست

دارد و دشمن انقلاب ایران است. آیا برای این بود که ابراهیم کبیری، مملوچیت که ایندولوزی رژیم چنی عراق مع وجه اشتراکی با مارکسیسم ندارد، آیا میدانند که نظام اجتماعی عراق سوسیالیستی نیست؟ آیا توجه نیستند که اسلحه «دوسی» که عراق زمانی در شرایط یکدیگری، از اتحاد شوروی خریداری کرده، دلیل بر هم آهنگی سیاسی عراق با شوروی نیست، کما اینکه اسلحه آمریکایی کونی ارتش ایران، دلیل بر این نمیتواند باشد که جمهوری اسلامی ایران با آمریکا هم آهنگی سیاسی دارد؟

چرا میدانند و خوب میدانند ولی در همین حال میدانند که برای پیشبرد خط رژیم چنی در ایجاد سوختن نسبت به اتحاد شوروی و در راه «پایان دادن به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران» که به تصفیح جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد، وسیله دیگری جز این خرمیلات و یا ستارووهنی نظیر ستارووهنی تیریز- مکریکو (که به آن روی آب افتاد) وجود ندارد.

البته باید توجه بود و متوجه هستیم که، هستند افرادی که، یا بسبب افتادن در دام تبلیغاتی رژیم چنی، یا بسبب لیرالهای پرو خط رژیم چنی، یا بدلیل رسوب تأثیرات تبلیغاتی که سالها دراز در ایران برسد اتحاد شوروی، بروقه انجام گرفته، گاه و بیگاه، اینجا و آنجا، برخی از دعوی ضدشوروی-مفرضان را بر غرضانه تکرار میکنند.

روی سخن ما در این مقاله با اینان است، نه با پروان علاج- نپذیری خط رژیم چنی، که دانسته در راه مقصود پایان دادن حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران، که به تصفیح جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد،

در تلاش و تکاپو هستند. روی سخن ما با این بر غرضان است. ما باینان زنیار میدیم که باید هوشیار بود و در دام خط رژیم چنی نیفتاد.

بگذریم از اینکه نظام اجتماعی- اقتصادی در اتحاد شوروی سوسیالیستی است و در این کشور حکومت کدوگان و دهقانان برقرار است و این حکومت ذاتا حامی مستضعفان و رژیم های ضد-امپریالیستی است. بگذریم از اینکه هرچا جنبش رهاختن ضدامپریالیستی و خلقی سرگرفته و اتحاد شوروی مستقیما در حمایت ضدامپریالیستی برقرار است، مورد پشتیبانی اتحاد شوروی قرار گرفته است، و انقلاب ما و جمهوری اسلامی ایران استننا نیست و نمیتواند باشد. لافله، برای هرچیز از گمراهی و افتادن در دام خط رژیم چنی بود و لایزال ایران باید این سؤال ساده را طرح کرد و به آن پاسخ داد که: آیا اتحاد شوروی با خودش دشمن است؟ اگر عقل سلیم حکم میکند که پاسخ این سؤال خنی است، آنکه باید قبول کرد که اتحاد شوروی به مخالفه بلکه موافق، نه دشمن، بلکه دوست و حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، لافله باین دلیل غیر قابل انکار که، این انقلاب پایکام نظامی آمریکایی ضدشوروی را در ایران درهم کوبیده و این جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی خود اعلام داشته که دیگر در ایران پایکام نظامی بیگانه هرگز استقرار نخواهد یافت. وانگهی، به عمل اتحاد شوروی در مناسبات خود با ایران بنگریم، مگر این کشور نبود که تحریم اقتصادی ایران را و تو کرد؟ مگر این کشور نبود که مکرر و رسماً ایالات متحده آمریکا را از تجاوز نظامی به جمهوری اسلامی ایران برحذر داشته؟ مگر این کشور

نیست که علی رده انواع کارشکنی های قطب زاده ها، همواره دست دوستی خود را بسوی جمهوری اسلامی ایران دراز کرده است؟ بگذریم از لیرالهای ایرانی رژیم چنی رژیم چنی، به ما حربه توده ایران- تهمت ویزتند که ما بدلیل «وایستی»، از اقتصاد شوروی دفاع میکنیم. ولی اینان که خود درصددند امریکای غارتگر و مستعمر، امریکای دشمن اصلی ایران را از چنبره به ایران بازگردانند، بهتر از هر کس دیگتری میدانند که ما در راسته، به احدی نیستیم و دفاع ما، دفاع از انقلاب ضد-امپریالیستی و خلقی ایران، از استقلال و آزادی ایران، از جمهوری اسلامی ایران در برابر امپریالیسم جهانفروار و امریکای جنایتکار است و باین دلیل طرفدار دوستی جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی هستیم که این کشور، کشور زحمتکشان ازبند رسته و پرتوان ترین نیروی است که در ویکار دراز مدت با امپریالیسم، بسرگردی امریکای حیوان در تمام زمینها به کشور ما، بر مبنای برابری کامل حقوق یاری رساند.

کسور بزرگ حصایه شمالی ما، هم بدلیل سرشت نظام اجتماعی - اقتصادی سوسیالیستی خود، هم بدلیل سیاست اصولی خود که از این نظام منشاء گرفته و علما تدوین شده، در جهت حمایت از انقلاب های ضد امپریالیستی و خلقی عمل میکنند، دوست راستین و حامی پرتوان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عرصه مبارزه دوران ساز علیه امپریالیسم، به سرگردی امپریالیسم امریکای و برای استقلال واقعی است.

بنابراین این زهار از خط رژیم چنی، که میخواهد ایران را از حمایت اتحاد شوروی محروم کند، تا «رژیم خینی» تصفیح شود و آسیب پذیر گردد.

### توده ایها در سنگر...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب بسایات رسیده است. بسیاری از وجدانهای شریف خود را سرزنش میکنند که، چرا از اول توجه حقیقت ننشاندند و چرا باین امر دقت نکردند که کلیه تصورات قبلی آنها درباره حزب توده ایران مبتنی بر تبلیغاتی بوده، که یک ربع قرن ساواک و دیگر مصادر رژیم مملوون پهلوی منتشر ساخته، بعد اکنون بسیاری از وجدانهای شریف و بیدار، که روزی و روزگاری در گرداب تبلیغات ضد رده ای گرفتار بودند، از خود سؤال میکنند که: اگر حزب توده ایران بدانگونه است که سالهای سال تبلیغ میکردند و ما تصور میکردیم، پس چرا در عمل برخلاف تصور ما از اینر- آمده اگر حزب توده ایران دشمن استقلال ایران بوده و به همین دلیل، به حکومت ملی مصدق مخالفت کرده، پس چرا امروز به جمهوری اسلامی ایران، که هرچند استقلال ایران است، مخالفت می کند؟ چگونه میشود که اکثر دیرین سابق مصدق به نظام جمهوری اسلامی ایران پشت کردند و برخیا حتی موروثیاتی ضد انقلابی در غلطی، ولی حزب توده ایران مدافع و پشتیبان صدیق جمهوری اسلامی است؟ پس آن حزب توده ای که میگفتند دشمن دین، و مخالف اسلام است، چگونه است؟ چرا توده ایها با عزمی راسخ و گامی قطع تر و متفانه تر از بسیاری از «مسلمانان» در پاسداری جمهوری اسلامی ایران ایستاده اند و یا چشم بیدار و یا چنگ و دندان از این جمهوری و از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی پشتیبانی میکنند؟ چرا حزب توده ایران در رفتارند جمهوری اسلامی و کلیه هم پرسی های دیگر فقط «آری» گفت و دیگران را هم به «آری» گفتن دعوت کرد و چرا بدون هیچ توقع و چشمداشتی در انتخابات گوناگون شرکت کرد و افراد مسلمان و مومن و مبارز را در سیاهه نامزد های انتخاباتی خود قرار داد؟ چرا حزب توده ایران مثل برخیها، بیروزی فارسانی و اشتباهات و بیعدالتی ها را بهانه قرار نداد و علیه جمهوری اسلامی سنگر نخواستند، توانست، توانای خلقی را که برای استقلال و آزادی خود میخواستند، محاصره کند و بچین جهت توانستند واکتی را که تجاوز جنایتکارانه در روحیه و عمل ارتش جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد، پیش بینی کنند؟ اینک شور انقلابی، همراه با نفرت نسبت به تجاوز در سراسر جبهه جنگ، در جسم و جان فرد فرد نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران فروزان است. افراد سپاه پاسداران از شمله کین مقدس نیست به تجاوز جنایتکار می- سوزند. خلق انقلابی قهرمان ما یکپارچه آماده جنگ است و با تمام هست و نیست خود به پشتیبانی از فرزندان عزیز خود، که در جبهه مر جگند، برخاسته است.

بگذار امپریالیسم، بسرگردی امپریالیسم جنایتکار امریکای یکبار دیگر بنمست رژیم مصدق - حسین چانی، آزموده های گذشته خود را در ایران هم بیازماید. اگر این گانگسترهای بین المللی توانستند در ویتنام، در کوبا، در الجزایر، در آنگولا، در یمن دموکراتیک، در سوریه، در لیبی در انبوس، در موزامبیک، در زیمبابوه و دهه دیگر کشورهای که خلقها برای آزادی و شرف و شایستگی خود قیام کرده اند، یوغ اسارت خود را تحصیل کنند، در ایران هم خواهند توانست. خلق پیاخته ما در شرایط

### توطئه جدید...

بقیه از صفحه ۱

کشته ها را از تنگه حیاتی هرمز، مورد بررسی قرار دهده و برای پیشبرد این منظور «فلوگانی» یا شرکت کشورهای صنعتی تشکیل شود.

این نخستین باری نیست که امپریالیسم آمریکا «منافع حیاتی» خود و یاران چهار لگرتی را در منطقه خلیج فارس ویش میکند. اعلام این منطقه بعنوان «مرحله منافع ایالات متحده آمریکا» مشون اساسی با صلاح دکترین گارتز است، که در ۳ بهمن سال گذشته رسماً اعلام شد. بموجب این «دکترین» امپریالیسم آمریکا بخود اجازه میدهد که، برای تأمین منافع چهار لگرتانه خود، بزرگترین ماشین نظامی خودش را در خلیج فارس، یعنی هزاران کیلومتر دور از مرزهای آمریکا، متمرکز سازد.

بنوشته نیویورک تایمز، وزارت دفاع آمریکا «در حال حاضر منطقه خلیج فارس را بتوان مهم ترین صحنه عملیات جنگی تلقی میکند.»

این سخن بجه روی برای ما تازگی ندارد. انگیزه تشکیل باصلاح سپاه واکنش سریع، مرکب از حداقل ۱۱۰ هزار نفر، را باید بویژه در کوشش برای پیشبرد هدفهای تجاوز کارانه «دکترین گارتز» در خلیج فارس و اقتباس هندرسون کرد.

۱. سون بینوازی سی ناو جنگی آمریکا، از جمله ناوهای ویژه ویژه کردن نیرو، حامل ۱۸۰۰ تنگدار، در خلیج فارس مستقر شده است. گزارش های گوناگون منکی است که بته گون، همچنین به تنظیم طرح استفاده عملیاتی از

### درد پر شور...

بقیه از صفحه ۱

تقویت روحیه، دلاوری و از جان گذشتگی نیروهای مسلح رزمنده در جبهه جنگ است که، ارتش متجاوز چنی عراق از آن برخوردار نیست و نمیتواند برخوردار گردد. سبل طبع جوانانی که در این روزها داوطلبانه برای غنایموس و عزیمت به جبهه جنگ، به مراکز سربازگیری و بسیج و سپاه پاسداران سرارجه میکنند، نسوی باز میانگر این واقعیت است که خلق ما یکپارچه آماده جنگ است و این خود باعث اطمینان خاطر نیروهای مسلح ما در جبهه، تقویت رزمندگی آنها و اعتماد آنها به نیروی بر دشمن متجاوز است.

ط در عمل شاهد خصوصیات جنگی خلقی، آزادی بخش، عادلانه در برابر جنگی ضد خلقی، اسارتگر، بلامانه هستم و این خصوصیات در روحیه عالی پاسداران، سربازان، درجه داران، افسران، خلبانان و همه فرزندان مسلح خلق ایران، در دلاوری و جانبازی میدرخ آنها منکس است.

رژیم جنایتکار چنی عراق تصور و حسیانه جمهوری دموکراتیک ویتنام، نشان داد، امپریالیسم آمریکا، برای پیشبرد مقاصد جنایتکارانه خود از هیچگونه صحنه سازی ایامورزد، لیکن، خلق پیاخته و انقلابی ایران، که هم اکنون خود را در جنگ با امریکاییها می بیند، از این گونه توطئه ها نیز هراسی بدل راه نمیدهد و عزم آن را دارد که در هر جبهه به امپریالیسم آمریکا درس شکست بدهد.

### تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندی کالی) ضرورت انقلاب ایران است

که جان برکف در برابر دشمن متجاوز در جبهه جنگ، فداکارانه از انقلاب، از تمامیت ارضی کشور، از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند!

درد بر سربازان و درجه داران و افسران دلیر نیروهای مسلح زمینی، هوایی و دریایی جمهوری اسلامی ایران! ما در این جنگ که از جانب آمریکا با تحصیل شده، بیرون خواهیم شد!

کونی جهانی، شکستناپذیر و بیروز است. خلق انقلابی قهرمان ما به رهبری خردمندانه و قطلمانه امام خمینی، به پیروزی مبرم - انگیزی بر امریکای فساد و سلطه گر و دست نشانده گان می- مقدار آن دست خواهد یافت. نیروهای مسلح ما ارتش متجاوز کار چنی عراق را درهم خواهد شکست. دود بر سپاهیان جانناز سپاه پاسداران و همه نیروهای مسلحی

# خودپنهانگری

آقای مهندس بازرگان، زهرعنسان "نهضت‌فدا ایران"، مقاله‌ای از روزنامه "کیهان" (مورخ ۱۳۵۹/۶/۲۳) منتشر کرده اند، بصورت حمله به آنچه نباید بشود، بدون طرح و بیان مشخص آنچه باید بشود، و این بار بدین وسیله، باز از "برنامه دولت موقت" دفاع کرده‌اند.

در مقاله طبعاً نامی از امیرالایم آمریکا برده شده است.

در مقاله ابتدا ابتدا این دعوی مطرح شده که، از تقریباً ده ماه پیش با این طرف (یعنی از بعد از سقوط دولت وقت و اشغال لانه جاسوسی آمریکا) با "افشاگریها" دانشجویان مسلحان به پیرو خط امام، مرحله - ای آغاز شده و تاکنون ادامه دارد، که نام آنرا آقای بازرگان، مرحله "نهضت فدا ایران" و یا "خودپنهانگری" گذارده - اند.

بنوشته آقای بازرگان، "شیرکمونیتها"، که پیش از هر گروه دیگر اشغال کنندگان لانه جاسوسی را تشویق به ادامه افشاگری می نمودند، به هدف امانت کرده، مردم را نسبت به پایداری آن و خدمت گزاران بدبین ساختند و با پاشیدن تخم دشمنی در جامعه و دستجات و نیروهای انقلاب را به خودپنهانگری واداشتند.

پس تا اینجا، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و "کمونیتها"، که آنها را تشویق به ادامه افشاگری کردند، باعث "خودپنهانگری" هستند، و اگر افشا امیر انتظامها، مقدم مراغه‌ایها، علویها

و مانند آنها صورت نمی گرفت و نیز پایه گذاران و خدمتگزارانی، که در میان "دسته گل" نامه شکواشده از "اعلیحضرت" به آمریکاها تقسیم میدانستند و طرفدار "مشروطه با شاه مشروطه خواه" و "پادشاه بهترین حالت طرفدار" مشروطیت بی شاه بودند، بمردم چنانکه هستند، معرفی نمی شدند، آنگاه "خودپنهانگری" و "نهضت فدا ایران" پیش نمی آمد و در سایه "خط کام بگام" و تحت لوای "برنامه دولت موقت"، دوران شکوه مند آبادسازی "نهضت آزادی ایران" بکمک برزیلینسکی و باسیاست "چون وابسته بوده ایم باید وابسته بمانیم" ادامه می یافت.

مقاله نشان می دهد که نه تنها مانند همیشه "چیها" در فکر آقای بازرگان "قاطی" باقی مانده اند، بلکه همه نیروها و احزاب و نهادهای زائیده از انقلاب با "چیها" "قاطی" شده اند و همه درجه "خود - دیرانگری" و "نهضت فدا ایران" قرار گرفته اند.

بنوشته آقای بازرگان، "کلنگ اول خودپنهانگری و نهضت فدا ایران" بدست "فداشیان خلق و چیپها و در روزنامه آیندگان، پیکار و مردم و غیره کوبیده شد و سپس با "العاب اسلامی تحت لاسوی فداشتمار علییه فتوادالایم و سرمایه داری در تداوم انقلاب و شعار شورا وسیله کمیته های خودرو و شوراهای محلی خصوصی و با تاسیس انجمن های خلقی و سپس اسلامی، این "خود پنهانگری و نهضت فدا ایران" گسترش یافت. اینان - بادعای آقای بازرگان - به "موسسات اقتصادی و تولیدی کشور در بخشهای عمومی و دولتی کثا و زری و صنعتی" حمله کردند و "در کارخانه ها نیز دستورات العمل این بود" که همرا، از کار فرما و سهام دار و مدیر و مهندس و مقام مالی و اداری و فنیسی بیرون بریزند، که "حتما کارباید بدست مستقیم خودشان بپیچند، که بسیاری از آنها سابقه ساواکی و چیپ داشتند و شوراهای صنعتی که هیئت های انحرافی، احزاب چپ و حزب و ارت اسلامی جمهوری آنها را رهبری می کردند.

چنانکه می بینید، کمیته ها، شوراهای و انجمن های خلقی و اسلامی، ساواکی و چیپ، احزاب چپ و حزب جمهوری اسلامی، همه با هم در مغز "هیرنهفت آزادی و بیرحمدار" خط کام بگام "یکلی قاطی" شده و همه در "جهه" "نهضت فدا ایران" و "خودپنهانگری" قرار گرفته اند!

از عملیات این "خودپنهانگری" یکی هم ویرانگری دستگاه اداری است آقای بازرگان "با کسری دستگاه اداری رادر همان حدودی قابل قبول میداند که در دوران "دولت موقت" انجام گرفته است. او از برخی ناراضیها این نتیجه را میگیرد که، با کسری ویرانگری است و می نویسد:

ویرانگری دستگاه عظیم دولت، که میلیاردها سرمایه، مملکت صرف آن شده، با وجود زبانی بی نهایت مبارک و مردمان و مقررات و احتیاج مبهم به تقلیل و تجدید نظر، بخواهد و نخواهد بگانه وسیله

دهه هشتاد برای خلقهای افریقایی الاصل آمریکائی، پورتوریکائی، چیکانو، سرخ پوست بومی آمریکا و آسیائی حوزه اقیانوس آرام، یعنی برای ۵۵ میلیون آمریکائی، که از ستم نژادی و ملی رنج می برند، به گونه ای بدتر از تنها تشدید شرایط قبلی آغاز میشود.

دهه های پنجاه و شصت دوران امید و وعده بودند. در این دوران سپاهان و سایر خلقهای تحت ستم نژادی و ملی دستاوردهای مهمی کسب کردند. آنها حق رای، حق انتخاب شدن به اداره امور عمومی و شهری و حق شرکت در مدارس مختلط نژادی رایج دست آوردند. در بسیاری نقاط محدودیت نژادهای غیر سفید در استفاده از وسایل حمل و نقل، رستورانها و سایر تسهیلات عمومی حذف شد.

لیکن با سالهای هفتاد، دهه نومبیدی و محرومیت آغاز شد. بسیاری از حقوقی که طی مبارزات بدست آمده بود، در عمل تضعیف شد و گاهی تماماً ابطال گردید. تقسیمات مجدد و زورناح در نواحی رای گیری بمورد اجرا گذاشته شد. تا از این طریق تائید برای خلقهای تحت ستم ملی تنزل باید. تاسیس مدارس خصوصی و اعمال و ابزار دیگری از این قبیل مانع اجرای اصل رفع محدودیت نژادهای غیر سفید در مدارس شد. در بسیاری از قسمتهای شمالی - جنوبی نژادهای غیر سفید عملاً افزایش یافت. طلب سوزان و سایر اشکال تهدید و اجبار در مناطقی که قبلاً تماماً سفید پوست نشین بوده و اینک سپاهان بدان نقل مکان کرده بودند، افزایش یافت. با وجود بزرگترین شکست هادرزمنه های کلدی

هم اکنون هم در نهایت تنگدستی همسر می برند. از این رو فشارهای اقتصادی و وحشتناکی که هم اکنون این مردم، در اثر آن گمراه کرده اند، سنگینتر خواهد شد. اینها چیزی نیستند به جز سیاست های رسمی تبعیض نژادی.

در این اوضاع و احوال، آنچه که بیش از هر زمان دیگر، برای وارد کردن ضربه مؤثر بر سیاست های استعمار بیش از حد و ستم وارده بر آمریکائیهای افریقایی الاصل و سایر خلق های تحت ستم لازم است، به دست آوردن درک روشن از مسئله است. به همین جهت ضرور است که موارد زیر روشن شود:

علل واقعی تبعیض نژادی، چکمانی از آن سود می برند و چه کمانی لطمه می بینند؟ چکمانی دشمن محسوب می شوند و چکمانی متحدین خلق های ستمدیده هستند یا می توانند باشند؟ این مسئله همچنان استراتژی نیازمند است که بتواند نفعها در زمینه حقوق و آزادی های دموکراتیک، بلکه در زمینه اشتغال، مسکن، مراقبت های بهداشتی و سایر زمینه های اقتصادی پیشرفت در پی داشته باشد.

علل اساسی تبعیض نژادی چیست؟ از نقطه نظر تاریخی، تبعیض نژادی در این کشور ( ایالات متحده) از برده داری نشأ گرفته است. تنها از طریق ایدئولوژی نژاد پرستانه، همچنان کور و تعصب بود که برده داران می توانستند برای توجیه یک چنین نهاد بردنشان و غیر انسانی تلاش کنند و آنرا منطقی جلوه دهند. امروزه می توان علت اساسی تبعیض نژادی را، سرمایه های انحصاری دانست. نگاههای

غول آسایی که سلطبر اقتصاد، دولت، وسایل ارتباطات و نهادهای آموزشی کشور ما هستند. اساساً باید گفت که تنها نگاههای بزرگ هستند که از تبعیض نژادی سود می برند. آنرا حفظ می کنند، بدان دامن می زنند و از آن برای به دست آوردن سودهای افسانه ای به تمسیت از اصل "تفرقه بینداز و حکومت کن" استفاده می کنند.

نگاههای بزرگ با پرداخت دستمزدهایی که به طور مصنوعی در سطح نازل نگاه داشته شده اند، به کارگران تحت ستم نژادی عملاً "میلیاردها به جیب می زنند. آنها عمداً روش های طبقه بندی مشاغل را بکار می گیرند، تا از این طریق مشاغل خصوصی را کم ارزشتر از بقیه قلمداد کنند. و این عمل نه بخاطر آن است که این مشاغل مهارت کثرتی لازم دارند، بلکه به این علت است که چنین مشاغلی به طور عمده به وسیله سپاهان، چیکانوها، پورتوریکویی ها و سایر گروه های تحت ستم اشغال شده است. کارگران سفید پوست باید درک کنند که پایین نگاه داشتن دستمزد کارگران تحت ستم نژادی و ملی، دستمزد کارگران سفید را هم به همان ترتیب پایین نگاه می دارد.

تبعیض نژادی مانعی است بر سر راه زندگی بهتر برای همه صاحبان منگلات، دیال های املاک و بانکها از طریق دامن زدن عمدی به مسئله تبعیض نژادی، درآمدهای بماندازه میلیاردها به دست می آورند. آن ها با استفاده از مسئله تبعیض نژادی بازار مسکن را

حیات و حرکت کشور می باشد. آقای بازرگان نمی خواهد و نمیتواند توجه کند که، هر انقلابی دستگاه اداری و نظامی خود را میخواهد و ابزار کار حکومت طاغوت، نمیتواند ابزار کار حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد. در او خر مقاله، تمام کوشش خود - پنهانگری نویسنده بر بیاد میروم. معلوم میشود که "خودپنهانگری" یعنی مخالفت با مانی سیاسی و برنامه دولت موقت، در دوران دولت موقت آغاز زنده و نه بعد از اشغال لانه جاسوسی و سقوط دولت موقت.

در مقاله میخوانیم که: "برنامه خودپنهانگری تنها جسم و تضعیف هاشی است که از ماههای دوم و سوم بعد از پیروزی انقلاب نسبت به دولت (موقت) و دولتین، علاوه بر افشاکرمی که قبلاً گفتیم، بعمل می آمد. چه از طریق توسعه و تسلط مراکز تصمیم گیری، که از ابتدا یک امر ضروری و قابل تقدیر بود (ولی آقای بازرگان با آنها مخالفت کردند) و چه تبلیغات سو (یعنی انتقاد از دولت موقت) و تحقیری که نسبت به دولت موقت صورت می گرفت.

پس اگر نهادهای انقلابی، و یا به اصطلاح آقای بازرگان، "مراکز تصمیم گیری" که در ابتدا یک امر ضروری و قابل تقدیر بودند) با استقرار دولت موقت برچیده می شدند و انتقادی هم از دولت موقت به عمل نمی آمد و دولت موقت میتوانست همه نظریات خود را در حفظ سرمایه داری بزرگ و وابسته و زمینداری بزرگ، در حفظ دستگاه دولتی و ارتش طاغوتی و نجات ساواکیها و طاغوتیان از پیکرود، در پیشبرد سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا و بازگرداندن جیب و لگزان خون -

چه نوع سازندگی و کدام کار؟ آن

بصورت منطقه ای درمی آورند. آزادی مردم در انتخاب محل سکونت حداً محدود است و در این زمینه سیاست "خط سرخ" به شدت اعمال می شود به فقط سپاهان مجبورند برای مقدر در محله های فقیرانیت ها، قیمت های بی رحمانه ای بپردازند، بلکه به اسن وسیله اجاره بها برای سایر آمریکائی های بالا نگاه داشته می شود.

درمو، سات، از تبعیض نژادی بمنظور تحریک گروهی از کارگران علیه گروه دیگر استفاده می شود و این وسیله ای است برای ایجاد تفرقه در بین اتحادیه های صنعتی و جنبش کارگری و برای توقف جنبش عمومی طبقه کارگر، وسیله ای برای اعمال حاکمیت طبقاتی. تبعیض نژادی سلاح اصلی سرمایه کلان تجاری برای ادارمبایسی و اقتصادی کشور است.

برای حل مشکلات بزم کشورما، مطلقاً ضروری است که امریکائی های سفید پوست منافع شخصی خود را در برابر زبانه تبعیض نژادی، و این حقیقت که آنها خود نیز بزاننده هستند، درنگ کنند. تبعیض نژادی مانعی است بر سر راه زندگی بهتر برای همه و به پشت و اجتماعی به طور عام.

اکثریت قاطع سفید پوستان - آمریکائی که وابسته به منافع انحصارات نیستند - از تبعیض نژادی سودی نمی برند. این امر مخصوص در ایام بحران اقتصادی، چون دوران حاضر، روشن تر می شود. مردم در ایالات متحده از تورمی خارج از کنترل رنج می برند. بیکاری در سطحی بالا و برای به تازید است. اکنون درآمد واقعی کارگران برای خرج کردن از پانزده سال پیش کمتر شده است. تنها در سال گذشته، درآمد میان ۷ درصد سقوط کرد.

دولت نظامی اعلام می کند که سطح زندگی تمام کارگران باید تنزل یابد. تبعیض نژادی باعث انحراف توجه از مشکلات اصلی، از علل واقعی این مشکلات و در نتیجه از راه حل های ضروری آن است. تبعیض نژادی باعث تفرقه بین مردم می شود، تا ایشان از مقابله مؤثر عاجز بمانند.

همبستگی طبقاتی این بدین معنی نیست که یک کارگر سفید پوست نخواهد توانست در نتیجه تبعیض، علیه فردی که تحت ستم نژادی است، امتیازات بخصوص و بلافاصله به دست آورد. لیکن در اکثر موارد چنین امتیازی به قیمت قربانی کردن منافع بزرگتر و اساسی تری به دست می آید.

به عنوان نمونه، ممکن است برخی کارگران سفید پوست بخش ساختن، در نتیجه اعمال تبعیض علیه کارگران تحت ستم نژادی، برخی امتیازات بلافاصله در اشغال در این بخش بدست آورند. ولی تاثیر این مسئله چقدر است؟ بخصوص در شرایط کنونی که دولت عمداً "صنعت ساختن را خفه می کند و بیکاری در بخش های ساختنی به سرعت رو به افزایش است؟

منافع واقعی کارگران ساختن سفید پوست در اعمال روش های تبعیض نیست، بلکه در مبارزه ای است با هدف اداره اقتصاد، بمنحوی که کار بماندازه کافی برای همه تامین گردد.

تبعیض نژادی، اتحادیهای صنعتی ساختن - نی را بمنحوی مؤثر تضعیف کرده و موجب شده است کارگران مجبور شوند، تقلیل دستمزدها را بقیه در صفحه ۶

"خط سرخ" عمل بانکها و شرکت های سرمایه ایالات متحده است، که به منظور اعمال تبعیض علیه امریکائی های افریقایی الاصل، سایر اقلیت ها و مردم بیعقر کشیده شده به مورد اجرا گذاشته می شود. به این ترتیب که با منحوی کردن مناطق مسکنی آنها به وسیله خطی سرخ، عملاً با از برداشت وام و بیمه آنها سرباز می زنند، و با تاسیس و بیمه آنها بی نهایت مشکل می کنند.

ما زندگی و کار را که "در صدر برنامه" دولت موقت قرار داشت، مقاله که تمام میشود و امضا میشود، نویسنده ناگهان متوجه میشود که "خود - پنهانگری" را فدای دفاع از "برنامه" دولت موقت نموده و ناخواسته "خود - افشاکری" کرده است. درصدد جبران بر می آید و "خودپنهان - گرانه" می نویسد: "مخالفت با افشاکری و خود ویرانگری و با طرد و تفرقه بهیچوجه بیمناکی انکار خیانت و خطا و وجود فدا انقلاب نیست. بهت روی کیفیت برخورد است. آنها باید به محض احساس مختصر اختلاف و اعتراف جماعی تکفیر را برداشت و سر هر بیکانه و آشنا کوبید؟ (و همه را "قاطی" کرد!) و انگیزه سیون با زی کشیشهای قرون وسطی را راه انداخت و بنا نا راضی تر اشی نبهه - بر این راه اردوی مستضعفین هل داد؟ برای دلسوزی جدیدی بوجود آوریم و مستضعفین مستکبرین جدیدی بوجود آوریم و مستضعفین تازه ای بسازیم؟

نه، آقای بازرگان! هیچیک از این کارها را نباید کرد، و نیز از مستکبرین سابق نباید دفاع کرد و آنها را حفظ کرد و مستضعفین سابق را نیز نباید در استضعاف باقی گذاشت. تمام مطلب بر سر نوازی اقتصادی - اجتماعی کشور بود مستضعفان است، که ضمن مبارزه آشتی نا پذیر با امپریالیسم سلطه جو و غارتگر و ضمن تا من استقلال تام و تمام کشور در همه زمینه ها امکان پذیر است.

### کس هال دیویر گل

بقیه از صفحه ۶

مشکل اصلی، مشکل همبستگی طبقاتی است. سلب حق دیگران بهرور، خواهد توانست برای شخص امتیازات بلافاصله همراه داشته باشد. هرچند این امر، از نقطه نظر تاریخی، مورد نفرت اکثر کارگران است. کس امتیاز از طریق اعمال تبعیض نسبت به دیگران، به مثابه سلب حق دیگران بهرور است. این عمل منافع تمام طبقه را قربانی دستاوردهای لحظه‌ای، فردی و خودخواهانه می‌کند. آنچه ما بدان محتاجیم، پایه‌گذاری سنت مبارزه علیه بهره‌برداری ناشی از اعمال تبعیضی نژادی است، که خود به اندازه سنت مبارزه علیه سلب حق دیگران بهرور، نیرومند است. همانقدر که برای سفیدپوستان ضروری است تا زهر تبعیض نژادی را با همه شخمت‌هایش بشناسند و علیه آن بجنگند، برای کسانی که تحت ستم نژادی و ملی هستند نیز به همان اندازه اهمیت دارد بدانند که: متحدین بالقوه‌شان طره کسان هستند، دشمن کسیت، و آنچه که راه بهررفت - های بیشتر را در این لحظه سد می‌کند، چیست؟ در آغاز - مسئله همبستگی بین سیاهان و سایر خلق‌های تحت ستم مطرح است. طبقه حاکمه فعالیت خستگی ناپذیر در جهت ایجاد تفرقه بین سیاهان، چیکانوها، پورتوریکی‌ها و غیره... دارد. آنها علاوه بر سایر سلاح‌ها، با دقت تمام از اختلافات موجود، از نقطه نظر تاریخی و سنت - ها استفاده می‌کنند. ولی علی‌رغم وجود چنین اختلافاتی، همه ستم دیدگان در این کشور سرنوشته مشترکی دارند. تمام آن‌ها می‌کوشند تا بهر جهت خود را فراهم کنند و هم همه با شکر مشترک - مقابله کنند. در هر فرد، غرور نسبت به گذشته‌اش طبیعی است. ولی نباید اجازه داد که این امر به خدمت ایجاد جدایی درآید.

جمع تعداد سیاهان، چیکانوها، پورتوریکی - بی‌ها، سرخ‌پوستان بومی آمریکا، آسیایی‌های حوزه - اقتباس آرام و سایر خلق‌های تحت ستم ملی در ایالات متحده بالغ بر پنجاه میلیون نفر است. یعنی در حدود یک چهارم کل جمعیت. این جمعیت در صورت اتحاد نیرومند و محکم بین خود خواهد - متحده درآید.

لیکن تنها اتحاد بستحکم در بین خلق‌های تحت ستم کافی نیست. اتحاد با سفیدپوستان و قبل از همه کارگران سفید لمری است اجتناب ناپذیر. این امر بخصوص در شرایط موجود واقعیتی بیشتری به خود می‌گیرد.

بهررفت اساسی وضع اقتصادی خلق‌های تحت ستم، بهررفت امر بهبود بخشیدن به شرایط اقتصادی آنان در زمینه‌های: امکانات اشتغال، دستمزدها، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی، نیاز - مند گردش ۱۸۰ درجه تمام اولویت‌ها در کشور است. این امر نیازمند تقلیل فوق العاده بودجه نظامی، تغییر سیاست خارجی در جهت مقابله و محدود کردن جدی سودهای انحصارات است. بدون این تغییرات، هیچ‌گونه بهررفت اقتصادی ممکن نخواهد بود.

احتیاج به ائتلاف وسیع ولی ایجاد چرخش در این سیاست‌ها، کاری است که جز با ائتلاف وسیع اکثریت عظیم مردم انجام پذیر نیست. اصول چنین ائتلافی هم اکنون در شکل جنبشی خود موجود است. آنچه لازم است، وسعت بخشیدن و تقویت آن است. پایه‌های این ائتلاف در توسعه منافع متقابل - ستکشان ملی و نژادی - و کارگران بهرورگی است تا از این طریق منافع مشترک منطبق برهم راجع شود.

طبقه حاکمه متادها و مشخصات متاد روابط رادامین می‌زند. به منظور رفتن آثار تبعیض نژادی، ضرور است تا گام‌های خاصی در جهت اقدامات قاطع عملی، و بخصوص در زمینه‌های استخدام و ارتقاء برداشته شود. هنگامی که این امر انجام گیرد کارگران یک واحد خواهند توانست، متحد شوند و برای قطع فشار، که برای سرعت بیشتر در کنار برایشان اعمال می‌شود، تقلیل ساعات کار و افزایش دستمزد مبارزه کنند.

میان طبقه کارگر، از هر نژاد و ملیت، منافع شخصی منطبق برهم وجود دارد، در حالی که مابین بخش‌های استثمار شده جامعه و سرمایه‌های بزرگ تجارتنی تنها دشمنی آشتی ناپذیر پایه‌های است.

درگیری با سرمایه‌های انحصاری کارسزگی است. لیکن هیچ‌گونه راه حل جنبی وجود ندارد. بدون جنگ متقابل، متحد و همجانانه علیه انحصارات هیچ راهی برای حل مسئله موجود ندارد. این امری است انجام پذیر و انجام خواهد گرفت. دفاعاً - مابین علت که هیچ‌راه دیگری وجود ندارد. مردم کشور ما تصد ندارند به جای خودبیشند و شاهد بدتر و بدتر شدن امور باشند. آنها می‌روند تا بیش از بیستی متحد شوند و بجنگند. اتحاد، در مرحله نخست و قبل از همه، نیاز به اقدام سیرای مبارزه جدی علیه نژادپرستی و تبعیض، هرچند و هر وقت که سر زشت خود را بلند کند، خواهد داشت.

ترجمه از دلیلی و ولنت ۱۰ آوریل ۱۹۸۰

**تأمین کار برای کارگران  
یکبار، یکی از نخستین وظایف  
دولت انقلاب است**

## «اوپک» قدرت حیات دارد و باید به سنگری جدی جهت دفاع از منافع کشورهای نفت خیز بدل شود

## ماهوره جدید خاصیت خرگوش دارد

خواننده‌ها ذوقی به ما می‌نویسند: پس از خواندن خبری که روزنامه «کبهان» (در شماره ۲۳ شهریور ۱۳۵۹) درباره «پرواز ماهواره شوروی برای جاسوسی» بر فراز خاک ایران و «تیراندازی پاسداران» و «گریختن ماهواره» به خاک شوروی منتشر کرده بود، من به یک کارشناس امور ماهواره‌های «گراهمکره» و تقاضای تفسیر این خبر را از او نمودم.

کارشناس امور ماهواره‌های «پس از کمی تامل تفسیر خبر را چنین آغاز کرد: مرحوم ایوی نقل می‌کرد از دروغ‌گویی که بنا بر روایات آشکارش مردم را بهتک آورده بود. از جمله روزی می‌گفت: فلان السلطنه تهرانی آنقدر سخاوتمند است و سفرهای مهمانی چنان وسیعی می‌کستند که در هر صفاقت نهار، هفتاد و هفت بیوط (هر بیوط ۷۰ کیلوگرم) فقط نیک مصرف می‌شود. قسم می‌خورد که خودش در بسیاری از این مهمانی‌ها شرکت کرده است.

یکی از حضار، که دیگر طاقت شنیدن دروغ - های او را نداشته، به خیال متوجه کردن او به قبح دروغ، تصمیم گرفت که او هم یک دروغ شاخدار برای وی بگوید و گفت: روزی من در همین شهر خودمان یک خیابار کاشتم. خیابار سبز شد و از زمین بیرون آمد و از بوته آن دوشاخه پدیدار گشت. یک شاخه رو به منسوب روئید و بمسوی همدان جلو رفت و از آنجا به طرف کرمانشاه متایل گشت و از مرز خسروی گذشت و روبه صحرای عربستان نهاد. و شاخه دیگر به طرف شمال روئید و آمد رسید به جاده تهران - تبریز و سرش را بهر است کم کرد و روبه تهران رفت... رفت... دروغ‌گویی «تکی» که از حرکت قهارانسه - بوته، خیابار متحیر مانده و بیچاره شده بود، فریاد کشید و گفت: ای مرد حیا کز! بوته، خیابار به این درازی نمی‌شود!

رقیبش گفت: اگر مقدار تک را تخفیف ندهی، بوته‌خیارها «سبزی میدان» تهران خواهد رفت. شخص ثالثی که گفتگوی آنها را گوش می‌کرد، در میان صحبت دوید و خطاب به «دروغگوی ناصح» گفت: بیپوده خودت را خسته نکن. من این آدم را می‌شناسم. اگر بوته، خیابار را به جین و ماچین هم ببری، او از نقش یک متقال کسرنخواهد کرد. دروغ در رگت جریان دارد.

کارشناس امور ماهواره‌های «پس از نقل این داستان سکوت کرد. من گفتم: داستان شما کجسه ناظر بر مطلب است، ولی این که تفسیر خبر نشد! کارشناس، که شوال من به بادش آمد، این بار به خود تفسیر پرداخت گفت: به نظر من مسئله از دو حال خارج نیست: یا آن «ماهوره‌های» که خبرنگار «کبهان» از رخت حبر داده، بهر مرغابی بوده، که به تازگی پروبال درآورده و از مراد انزلی به پرواز درآمده، و با این که «پاسداری» که به این «ماهوره» تیراندازی کرده و تیرش سید هزار متر به آسمان رفته و «ماهوره» را مجبور به «گریختن» به شوروی کرده، به عوض تنگ، «موشک قاره‌بما» بردوش داشته.

و اما جانب‌تر از این، مسئله «گریختن» است. معلوم می‌شود روسها «ماهوره» محسبندی اختراع کرده‌اند، که خاصیت حرکوش دارد. در حوض اشیر، در حالی که با سرعت ده کیلومتر در ثانیه به پیش می‌رود، هر جا خطری حس کرد، فوراً «هر چهارپایش را محکم به هوا می‌چسباند، یعنی ترمز می‌کند، و بعد با تغییر جهتی در حدود ۱۸۰ درجه و با همان سرعت، به محالی «می‌گریزد» که از آنجا آمده بود...

بهر حال، باید در انتظار «اکتشافات» جدید گردانندگان «کبهان» و امتالهم درباره «اختراعات» جدید روسها بود.

پیش اعتراف کرد، که بهار به آن کشور آمده بود. تاریخ اقامت او در افغانستان همیشه با دوران افزایش تنش در کابل مطابقت می‌کرد. لی افزود که کارشناسان و نمایندگان رسمی ایالات متحده در شهر پشاور پاکستان اقامت دارند و در آموزش عوامل ضد انقلابی شرکت می‌کنند. لی گفت، پس از آن که باند‌های ضد انقلابی با سلاح‌هایی که روی آنها «ساخت ایالات متحده آمریکا» نوشته شده بود، لو رفتند، اکنون روی این سلاح‌ها نام کشورهای دیگری ذکر می‌گردد.

شاهد ۶: «کانونتراسپای» نوشته «کانونتراسپای» که در واشنگتن منتشر می‌شود و درباره فعالیت‌های «سیا» در برابر جهان گزارش می‌دهد، یک کماندوی «سیا» به رهبری رابرت بی. لاسارد، یک سال پیش از درخواست کمک نظامی دولت افغانستان از اتحاد شوروی، در کشور همسایه مابعدارک و اجزای عملیات ضد انقلابی اشتغال داشته است.

بست قرار دهد. کنفرانس وزرای نفت و دارائی کشورهای عضو «اوپک» دروین، گذشته از آن که به اتخاذ تصمیم کاهش ۱۰ درصد میزان تولید در نفت در کشور - های صادرکننده نفت نائل شد و علاوه بر آن که سر - سخت‌ترین دولت عضو «اوپک» در دفاع علنی و آشکار از مواضع امپریالیسم، یعنی عربستان سعودی، رابه قبول افزایش قیمت‌های پایه وادار کرد، در مورد استراتژی درآمدت اوپک در تعیین قیمت‌های نفت، در کمک به کشورهای در حال رشد مصرف کننده نفت، در طرح جلوگیری از معامله و صدور نفت به اسرائیل و آفریقای جنوبی و همچنین تقویت بانک «اوپک» برای کمک به کشورهای عقب مانده، نیروز از صحنه خارج شد. اتخاذ تصمیمات لازم درباره مسائل اخیر سه اجلاس‌های بعدی «اوپک» موکول شده است، اما با این همه، این موفقیت بزرگی است که اجلاس «اوپک» نظریه مبتنا بر دادن نرخ تورم در کشورهای غربی را برای قیمت‌گذاری نفت در آینده رد کرد و عملاً نظریه ایران، الجزایر و لیبی را پذیرفت، که بهتقدیر در افزایش قیمت نفت در آینده، باید نرخ تورمی را که دول امپریالیستی به کشورهای نفت خیز تحمیل می‌کنند، مورد استفاده قرار داد.

پیشنهاد‌های کشورهای اخیر همچنین در مورد این که، افزایش قیمت نفت از این به بعد از کشورهای در حال رشد مصرف کننده اخذ نشود و بهای خود آنها برگردانده شود، صندوق «اوپک» تعهدات وسیع تری را در کمک به کشورهای اخیر سه عهده گیرد، در مرکز مباحثات «اوپک» در وین قرار گرفت. همچنین پیشنهاد بایکوت اسرائیل و آفریقای جنوبی، ولو به اکراره، عملاً از جانب ۱۲ عضو از ۱۳ عضو «اوپک» پذیرفته شد، که مطمئناً معای آن در کنفرانس آینده صادر خواهد گردید.

آنچه که درباره پیروزی‌های اجلاس سه خدیسد «اوپک» گفتیم، البته آن موفقیت‌هایی نیستند که می‌توان از «اوپک» انتظار داشت. بلل کشورهای نفت خیز در حال رشد به درستی از سازمان کشورهای صادرکننده نفت انتظار دارند که، این سازمان سه حربه موثر مبارزه ضد امپریالیستی، بویژه مبارزه علیه تسلط کارتل بین المللی و اعضا «گارتگر امپریالیستی» و انگلیسی آن بدل شود و «اوپک» ناقوس سرگ - امتیازات نفتی را در همه «جهان سوم» صدا درآورد. اجلاس اخیر «اوپک» حامل چنین موفقیت‌هایی نبود. اما نمی‌توان کتمان کرد که اجلاس «اوپک» در حالی که زیر رگبار انواع فشارهای محافل امپریالیستی و انحصارات نفتی و نزاع‌های دست نشانده قرار داشت، مذالک در برابر چنین گردباد امپریالیستی و ارتجاعی سرخم نکرد و حتی به اتخاذ تصمیماتی که برنامه‌های دول امپریالیستی و انحصارات نفتی را خنثی می‌کند، موفق گردید. چنین مقاومت موثر و کارساز در «اوپک» علیه توطئه‌های امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی، شاکر امکانات عظیم این سازمان مبارزه به خاطر رهبری همه کشورهای امپریالیستی است. بهتقاضای کنفرانس اخیر «اوپک» در وین باید از این دیدگاه بنگریم. بویژه بر دولت انقلابی ما در جمهوری اسلامی است که به کوشش‌های خود در جهت تحکیم و پیروزی شی قاطع مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه سرنوشته ساز علیه کارتل بین المللی و انحصارات غارتگر نفت در «اوپک» بهفریاد.

این امر که گفتگوی آنها را گوش می‌کرد، در میان صحبت دوید و خطاب به «دروغگوی ناصح» گفت: بیپوده خودت را خسته نکن. من این آدم را می‌شناسم. اگر بوته، خیابار را به جین و ماچین هم ببری، او از نقش یک متقال کسرنخواهد کرد. دروغ در رگت جریان دارد.

کارشناس امور ماهواره‌های «پس از نقل این داستان سکوت کرد. من گفتم: داستان شما کجسه ناظر بر مطلب است، ولی این که تفسیر خبر نشد! کارشناس، که شوال من به بادش آمد، این بار به خود تفسیر پرداخت گفت: به نظر من مسئله از دو حال خارج نیست: یا آن «ماهوره‌های» که خبرنگار «کبهان» از رخت حبر داده، بهر مرغابی بوده، که به تازگی پروبال درآورده و از مراد انزلی به پرواز درآمده، و با این که «پاسداری» که به این «ماهوره» تیراندازی کرده و تیرش سید هزار متر به آسمان رفته و «ماهوره» را مجبور به «گریختن» به شوروی کرده، به عوض تنگ، «موشک قاره‌بما» بردوش داشته.

و اما جانب‌تر از این، مسئله «گریختن» است. معلوم می‌شود روسها «ماهوره» محسبندی اختراع کرده‌اند، که خاصیت حرکوش دارد. در حوض اشیر، در حالی که با سرعت ده کیلومتر در ثانیه به پیش می‌رود، هر جا خطری حس کرد، فوراً «هر چهارپایش را محکم به هوا می‌چسباند، یعنی ترمز می‌کند، و بعد با تغییر جهتی در حدود ۱۸۰ درجه و با همان سرعت، به محالی «می‌گریزد» که از آنجا آمده بود...

بهر حال، باید در انتظار «اکتشافات» جدید گردانندگان «کبهان» و امتالهم درباره «اختراعات» جدید روسها بود.

پیش اعتراف کرد، که بهار به آن کشور آمده بود. تاریخ اقامت او در افغانستان همیشه با دوران افزایش تنش در کابل مطابقت می‌کرد. لی افزود که کارشناسان و نمایندگان رسمی ایالات متحده در شهر پشاور پاکستان اقامت دارند و در آموزش عوامل ضد انقلابی شرکت می‌کنند. لی گفت، پس از آن که باند‌های ضد انقلابی با سلاح‌هایی که روی آنها «ساخت ایالات متحده آمریکا» نوشته شده بود، لو رفتند، اکنون روی این سلاح‌ها نام کشورهای دیگری ذکر می‌گردد.

شاهد ۷: «واشنگتن پست» اواسط زمستان سال ۱۳۵۸، روزنامه «واشنگتن پست» نوشت که «سیا» برای مخفی نگه داشتن جزئیات و وسعت عملیات خود، «سلاح‌های سبک و ضد تانک» ساخت کشورهای غیر آمریکایی از جمله شوروی - را به افغانستان فرستاده است.

این امر که «اوپک» - سازمان کشورهای صادر کننده نفت - اکنون در معرض تندبادهای امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی و بسته به آن قرار گرفته، حادثه‌های کاملاً طبیعی و قانونمند است. امپریالیسم و رژیم‌های دست نشانده در کشورهای نفت خیز در حال رشد، به ویژه از زمانی که انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران پیروز شده و تناسب جدیدی از قوا را به سود تأمین منافع واقعی کشورهای نفت خیز بوجود آورده، «اوپک» را در معرض طوفانی از تهاجمات آشکار و پنهان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی نظامی قرار داده‌اند. هدف این طوفان از یاد آوردن درخت ۲۰ ساله‌ای است که چون خاری بزرگ در چشم غارتگران نفتی فرورفته و بیش از پیش حلقوم آنان را، که همان انحصارات غارتگر امپریالیستی باشد، می‌فشارد.

تندبادهای محافل امپریالیستی و رژیم‌های دست نشانده آن علیه موجودیت «اوپک» در زمان‌های اخیر، بیش از هر وقت دیگر در طول عمر ۲۰ ساله سازمان کشورهای صادرکننده نفت، دامنه زده می‌شود. این تندبادهای آنجا شدید و خارق العاده است که هم اکنون جنگ فرسایشی رژیم مزدور مغربی عراق را علیه ایران ایجاد نموده و آنتی را که مورد نظر محافل امپریالیستی بویژه امپریالیست‌های امریکاست، برافروخته است. بدون شبهه سرخ تهاجمات نظامی رژیم مزدور یعنی عراق علیه ایران در دست محافل امپریالیستی مدافع کارتل بین المللی بویژه امریکا است که می‌خواهند با نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گتیم غارت بی‌امان منابع نفتی خود را در منطقه از آب بیرون بکشند و تلنگر امپریالیستی را، که تا همین گذشته نزدیک با سرچا بود، دوباره بر کشورهای نفت خیز در حال رشد مستط سازند.

اگر حتی در این شرایط امپریالیسم غارتگر - موفق به اجزای تقشع‌های شیطانی خود نمی‌شود و متلا کنفرانس «اوپک» تندباد عظیمی را علیه خود از سر می‌گذراند و موجودیت خود را حفظ می‌کند و حتی به اتخاذ تصمیمات بهر حال، مشروط دسته‌جمعی مبادرت می‌ورزد، دلیل آن را باید در آن دانست که «اوپک» به عنوان حربه کشورهای نفت خیز در حال رشد در برابر غارت انحصارات و دول امپریالیستی، حق حیات دارد. این سازمان می‌تواند و باید به سنگری جدی در رهایی همه کشورهای نفت خیز از تسلط امپریالیسم، کارتل بین المللی و انحصارات غارتگر، از هر قماشه تبدیل گردد.

در شرایط ایجاد محیط نفاق و دودستگی در بین کشورهای نفت خیز عضو اوپک و حتی ایجاد دامن زدن جنگ بین دو عضو اساسی اوپک - عراق و ایران - امید محافل امپریالیستی از هم پاشیدگی و تلاشی کامل «اوپک» بود. اگر حتی در این شرایط، اجلاس اخیر وزرای اوپک توانست به اتخاذ تصمیم در پاره‌گاشه ۱۰ درصد از تولیدات روزانه که بهر طور عمدتاً شامل عربستان سعودی و عراق می‌شود، و افزایش قیمت پایه از ۲۸ دلار به ۳۰ دلار در هر بشکه (که باید از جانب دولت عربستان سعودی رعایت گردد) موفق شود، این پیروزی نسبی بسیار جالب توجهی برای اوپک است. این پیروزی به آنگری است که تا سب درونی در «اوپک» آنچنان بمسود نهاده‌ای ضد امپریالیستی و ضد کارتل تغییر یافته، که «اوپک» قادر است از سهمگین‌ترین مخاطرات جان سالم بدر برد و حتی امپریالیسم و رژیم‌های دست نشانده آن را در بین -

## چگونه «سیا» برای «آزادی» افغانستان مبارزه می‌کند

ما می‌کوشیم به هر طریق به آنها کمک کنیم. من در اینجا از تشریح همه این طرق معذورم.

شاهد ۳: خبرنگار «ای بی. ان» بورویک فرستاده خبرنگاری «ای بی. ان» اوائل سال جاری از کابل خبر داد که، نزد عناصر ضد انقلابی نارنجک‌های شیمیایی پیدا شده است، که محنتی مواد «سی-اس» هستند. این نارنجک‌ها ارگان‌های شیمیایی دستگاه تفسیر را برای مدتی فلج می‌کنند و حتی ممکن است که به هلاکت طرف متضرر شوند. بورویک، در گزارشی برای روزنامه «اوسر» ثابت (آلمان هدرال) نوشت: «من این نارنجک‌ها را به چشم خود دیدم. روی این نارنجک‌ها، کالان در کابل هم هست، مهتری است، که تردیدی درباره منبع آنها باقی نمی‌گذارد: سی-اس ۵۱۷، ساخت کارلر بزرگ، پنیسیلوانیا، ۱۵۶۸۱، ایالات متحده آمریکا».

شاهد ۴: ضیا الدین، عامل «سیا» چند روز پیش از عید نوروز شخصی به نام ضیا - الدین، تبعه مصر، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل اعتراف کرد که «سیا» او را به افغانستان فرستاده بود، تا محاسوسی و دیگر عملیات خرابکارانه بر دازد. وی، که به جنگ مقامات امنیتی افغانستان اقدام نمود، گزارش داد که، پنج ماه پیش از شروع مأموریت او را از راه‌های مخفی به آلمان غربی بردند و در مدرسه‌ای ویژه، از جمله در رشته‌های عکاسی، اسلحه‌شناسی و مواد انفجاری، تعلیم دادند.

شاهد ۵: رابرت لی، عامل «سیا» یکی دیگر از عوامل «سیا»، به نام رابرت لی، که در افغانستان دستگیر شد، اواسط زمستان سال

جمعی کارتر چندی پیشه نخست وزیر جینی گفته بود که وی خواهان «افغانستانی آزاد» سیرای دخالت خارجی است. اگر وی بهر استی در این گفت‌وهای صادق بود، حل سیاسی «مسئله افغانستان» چنان دشوار نمی‌بود. مگر نه این که دولت افغانستان در پیشنهاددهی ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸، از همین دولت آمریکا خواست که از «فعالیت‌های مفسد» جویانه علیه افغانستان، از جمله از سرزمین کشور - های دیگر، دست بردارد؟

ولی شواهد گوناگون نشان می‌دهد که، سه خلاف گفته‌های «آزادخواهانه!» و «استقلال طلبانه!» جینی کارتر، عوامل سازمان شکار «سیا»، نه تنها در پاکستان باند‌های ضد انقلابی را برای عملیات خرابکارانه در افغانستان تعلیم می‌دهند، بلکه حتی در خود خاک افغانستان به شرارت می‌پردازند. ما در زیر به گواهی چند شاهد سنده می‌گیم:

شاهد ۱: نمایندگان پارلمان آمریکا در ۲۴ مرداد سال تلویزیون «سی بی. ای» آمریکا برنامه‌های درباره «عملیات مخفیانه جدید «سیا»» پخش کرد. در این برنامه، بویژه به نقش خرابکارانه «سیا» در افغانستان و ایران اشاره شد. لی پیچین، نماینده کنگره و رئیس کمیسیون حاسوسی مجلس نمایندگان ایالات متحده، و جوزف بایدن، عضو کمیسیون حاسوسی سنا، که در این برنامه شرکت داشتند، صحت گزارش‌های نامبرده را تأیید کردند.

شاهد ۲: دولت آمریکا یکی از مقامات بلند پایه واشنگتن در برابر خبرنگاران رسا «اعتراف کرد که، ایالات متحده آمریکا از باند‌های ضد انقلابی علیه حکومت افغانستان استفاده می‌جوید. وی گفت:

# سفیر شوروی در ایران، در مراسم روز ملی شوروی در نمایشگاه بین‌المللی گفت: اتحاد شوروی آماده گسترش روابط اقتصادی و تجاری برابر با ایران است

## امپریالیسم بین‌المللی در تلاش محاصره اقتصادی ایران است، لیکن ایران دوستان زیادی دارد. ما اطمینان داریم که کلیه مساهم دشمنان جمهوری اسلامی ایران با شکست روبرو خواهند شد.

## معاون وزارت بازرگانی ایران: امینوارم شرکت توسعه شوروی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی گام مثبت دیگری در جهت افزایش مبادلات بازرگانی بین دو کشور و انگیزه خوبی برای توسعه همکاریهای اقتصادی بر اساس مترنغ متقابل باشد.

روز ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پنجمین سالگرد ۱۳۵۹، در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران با حضور سفیر این کشور در جمهوری اسلامی ایران و تعدادی از سفرای خارجی مقیم ایران و مسئولین غرفه‌های شرکت‌کننده در محل نمایشگاه برگزار شد.

پس از پخش سرود دو کشور ایران و شوروی و برافراختن پرچم دو کشور، سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری اسلامی ایران، ضمن اظهار خوشوقتی از شرکت در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران، دربارهٔ چگونگی مبادلات تجاری میان ایران و شوروی و گسترش روابط اقتصادی، سخنانی ایراد کرد. وی از جمله گفت:

روابط اقتصادی کشورهای ما دارای گسترته پرسابقه‌ایست. خود همسایگی خلقهای ما، نفع مبادلات اقتصادی بین دو کشور ما را تصریح میکند. علاوه بر این، بازرگانان ایرانی از دیرباز از خاک کشور ما میتوان کوفته‌ترین و مطمئن‌ترین راه ارتباط با کشورهای اروپائی استفاده میکردند.

روابط تجاری و اقتصادی، اگر براساس اصول برابری طرفین و سود متقابل استوار باشد، اهمیت سرشاری در زندگی ملتها دارند، زیرا به‌وسیله توسعه اقتصاد کشورها کمک میکنند و روابط دوستانهٔ بین آنها را استحکام میبخشند. مخصوصاً به‌منظور ملت رعایت کامل و اکید اصول مزبور، یعنی اصل برابری طرفین و سود متقابل، هواره جنبه متضاد روابط اقتصادی و تجاری شوروی و ایران بوده و هست.

کشور ما بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، یعنی در مدت بیش از ۶۰ سال از پیشرفت و ترقی خود، تبدیل به کشور صنعتی پیشرفته‌ای، با سطح عالی فرهنگ شده است و به‌همین جهت امکانات ما برای بسط و توسعه روابط اقتصادی و سایر روابط با دیگر کشورها به‌مطابق افزایش یافته است. در کشور شما، با کلاهتیکه بطور سستی از اتحاد شوروی صادر میشوند یعنی با چنان کلاهتیکه مانند چوب و سیان و فلزات و محصولات شیمیائی و مواد رنگ‌کننده و کودها، بخواهی آشنائی دارند. در کشور شما دستگاههای کبیر تراش-فلزات و لوازم آردسازی و کباب‌های برداشت غله و لوازم و ماشین‌آلات انرژیگ و صنایع ذوب آهن، که در اتحاد شوروی ساخته شده‌اند، مورد استفاده هستند. در اینجا موتورسیکلت‌های ساخت شوروی، لوزاوم و ادوات مختلف و بسیاری از کلاهتیکه دیگر بخوبی معرفی شده‌اند. همگان با نقش عمده‌ای که کار مجتمع ذوب آهن اصفهان در اقتصاد ایران دارد و با همکاری فی اتحاد شوروی ساخته شده و اولین مخلوق صنایع سنگین کشور شماست، آشنا هستند. موفیکه شما در داخل کشور مسافرت میکنند بدون شک سیلوهای زیادی را مریختند که اکثر آنها با کمک اتحاد شوروی ساخته شده‌اند.

ما یلیم بطور خاص خاطر نشان سازم که اتحاد شوروی عمده‌ترین خریدار کلاهتیکه سنی مختلف ایران، از جمله خریدار عمده فرآورده‌های صنایع ایران است. این امر بدون شک به تحکیم و توسعه صنایع ایران کمک میکند.

بدین ترتیب اجمالاً میگویم که همکاری اقتصادی و تجاری اتحاد شوروی و ایران، در حالیکه برای هر دو طرف سود متقابل بارمان می‌آورد، به تحکیم استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز کمک میکند. در کشور ما بخوبی به این گرایشهای ایران توجه و وفور دارند و در این گرایشها سهیم هستند. فکر میکنم که بفتح هر دو کشور است که در آینده نیز در همین راه پیش بروند. موافقتنامه اقتصادی که چندی پیش منعقد گردید و همچنین موافقتنامه‌های جدیدی که بدون شک در آینده منعقد خواهد شد، به این هدف کمک و مساعدت میکنند.

اکنون امپریالیسم بین‌المللی در تلاش محاصره اقتصادی ایران است و سعی دارد ارادهٔ خود را به کشور شما تحمیل کند. لیکن ایران دوستان زیادی دارد. در کشورهای دیگر نیز شخصیت‌هایی هستند که طرز فکر سلی دارند و ما اطمینان داریم که کلیه مساهم دشمنان جمهوری اسلامی ایران با شکست روبرو خواهند شد.

البته تفرقه اتحاد شوروی در نمایشگاه بازرگانی تهران، که ما از شما دعوت میکنیم از آن دیدن فرمائید، نمیتواند تمامی امکانات کشور ما را در ذهنتان مجسم کند. غرفه مزبور برای همکاری براندازه کوچک است، گرچه بزرگترین غرفه نمایشگاه است. ما حاضریم بطور عملی مسائل مربوط به مناسبات بازرگانی‌مان را مورد بحث و مذاکره قرار دهیم. برای این منظور آقای گرشین، معاون وزیر بازرگانی اتحاد شوروی، وارد ایران گردیده

است. ما یلیم بطور خاص خاطر نشان سازم که قسمتی از غرفه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را نمایشگاه جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان تشکیل میدهد، که یکی از ۱۵ جمهوری برابر حقوق کشور است، جمهوری که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را تشکیل داده‌اند.

برای شرکت در این نمایشگاه بازرگانی، هیئت نمایندگی دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان بریاست آقای آشور علی‌رفه معاون رئیس شورای وزیران ازبکستان، به تهران آمده است. امیدواریم که شرکت اتحاد شوروی در نمایشگاه بین‌المللی تهران به بسط و توسعه روابط متقابل مفید اقتصادی و تجاری بین دو کشور کمک و مساعدت خواهد کرد و همچنین به تاشاچیان اجازه خواهد داد تا حدی با زندگی کشور همسایه و دوست جمهوری اسلامی ایران آشنا شوند. همه اینها بفتح تحکیم دوستی بین خلقهای دو کشور ما خواهد بود.

ل. ای. پرؤفقه، سدر هیئت‌رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در پیام خود به حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، ابراز امیدواری کرد که:

روابط بین دو کشور ما در آینده نیز بر اساس اصول دوستی و حسن همجواری و برابری و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر برپا خواهد شد و بسط و توسعه بدنی این روابط بر اساس مذکور به امر صلح و امنیت بین‌المللی خدمت خواهد کرد.

همه مردم شوروی کاملاً با این اظهارات همصدا هستند. ما برای ملت ایران، که همسایه ما است، احترام زیادی قائل هستیم، گرایش آن را به زندگی بهتر و حصول استقلال واقعی درک میکنیم و آرزویمد پیروزی آن هستیم.

در خاتمه، ما یلیم از دولت ایران و سایر سازمان‌های که به شرکت اتحاد شوروی در نمایشگاه بازرگانی بذل مساعدت کرده‌اند، سپاسگزاریم و موقتیت برگزاری نمایشگاه را آرزو میکنیم.

سخنران بدنی آقای آشور علی‌رفه معاون رئیس شورای وزیران جمهوری ازبکستان بود. او از جمله گفت: صنایع چندین رشته‌ای نقش عمده‌ای در اقتصاد ازبکستان ایفا میکنند. بیش از ۲۵۰۰ موزه صنعتی سرگرم تولید فولاد و آلومینا و تراکور و ماشین‌آلات مخصوص جمع‌آوری محصول پنبه و دستگاههای نساجی و تراشورماور نیرو و کابلهای مختلف و لوزاوم و تجهیزات پیچیدهٔ صنایع شیمی و صنایع صغیره پنبه و صنایع نساجی و لوازم الکترونیکی منحصراً بفرود هستند. سطح عالی فعلی صنایع ما نتیجه آنستکه دولت شرفی، از نخستین روز موجودیت خود شرایط مادی و انجمنی لازم را جهت پیشرفت و تسریع اقتصادی و فرهنگی همجانبه کلیه ملل و اقوام کشور فراهم کرد.

ولادیمیر ایلیچ لنین، بنیانگذار دولت ما، می‌گفت: «کمونیسم یعنی حکومت شوروی بر پایه برقش کردن تمام کشور».

این فرمول لنین بطور موقتیت‌آمیزی جا به عمل می‌شود. امروزه ازبکستان در هر شبانه روز ۹۱۷ میلیون کیلووات ساعت و بمبارتدیگر ۶۴ هزار کیلووات‌ساعت نیروی برق در هر دقیقه تولید میکند.

صنایع شیمی و صنایع ذوب فلزات سیاه و رنگی با سرعت سرشاری بسط و توسعه می‌یابد. جمهوری ما مقادیر زیادی مس و سرب و روی و ولفرام و فلزات نادر و ایزوتوپ‌های مقاوم تولید میکند.

در جمهوری موسسات بزرگ صنایع نساجی و ابریشم‌کاری و صنایع غذایی و فرآورده‌های گوشت تأسیس شده است. جمهوری تمام مجموعه وسایل فنی

موقع توجه سازد. تشنج آفرینی از سوی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پروردانش به مشکل‌های مختلف صورت می‌گیرد: پلتریز با ایجاد درگیری، حمله به گروهها، دفاتر آنها، کتاب-فروشیها در گوشه و کنار کشور، روز دیگر با دعوای سازشی و شایعه پراکنی بمنظور ایجاد صحنه‌های دراز در جلوی مغازه‌ها و دکان‌ها، تحریک و تخریب مردم به‌خبرید پیش از اندازه خواربار و اجناس مورد نیاز عموم تشنج آفریده می‌شود. از اینرو نیز رهبر انقلاب بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی در پیام تاریخی خود متذکر شدند:

### تشنج آفرینی...

بینه از صفحه ۱

از سوی ما و دیگر نیروهای راستین انقلاب اغلب بدترستی پیش‌بینی‌شده مطابق اسناد و اطلاعات موق واقع افشا گردیده است. رژیم مزدور بعثی عراق تقلیدی از آلت‌های خارجی اجرای بعثی از این توطئه گسترده است. چنگی که آمریکا از طریق تعارض مستقیم نظامی رژیم بعثی عراق علیه ایران آغاز کرده است، در عین حال باید همگان را بیشتر به زبانه‌های فوق‌العاده و خطرات تشنج آفرینی و غلبه‌سازی در این

مورد نیاز مکانیزاسیون کامل امور کشت و برداشت محصول پنبه را تولید میکند.

بسط و توسعه صنایع شیمی و صنایع ماشین‌آلات کشاورزی و بطور کلی صنعتی‌کردن جمهوری آذربایجان بخشی در تمام کشاورزی بجا گذاشت.

در جمهوری ما ۴۱ موزه علمی کشاورزی، از جمله ۴ آموزشگاه عالی دایر هستند. دانشندان ازبکستان بهترین انواع پنبه جهان را پرورش داده‌اند.

ازبکستان پایه‌های اصلی تولید پنبه در کشور است. در سال ۱۹۷۹، ۵ میلیون و ۶۶۰ هزار تن یا ۳۴ درصد پنبه تولیدی اتحاد شوروی، در ازبکستان برداشت شد. از این مقدار ۳ میلیون و ۴۹۲ هزار تن، یعنی ۶۰ درصد پنبه‌های صادراتی شده یا وسایل‌ماتیکی برداشت شد. جمهوری ما بیش از نصف پنبه‌های گرم ابریشم تولیدی در اتحاد شوروی را تأمین میکند. در سال ۱۹۸۰ ابریشم کاران جمهوری ۳۰۳ هزار تن پنبه گرم ابریشم به دولت فروختند.

در ازبکستان نباتات غله‌ای، یعنی گندم و برنج و ذرت و نباتات دیگر نیز تولید میشود. تولید غله به ۳ میلیون تن از جمله تولید ذرت به ۱٫۲ میلیون و تولید برنج به ۵۰۰ هزار تن رسیده است. ازبکستان صد درصد کشت تولیدی اتحاد شوروی را تولید میکند.

جمهوری ما ۸۰ درصد کشتش تولیدی اتحاد شوروی را تأمین میکند.

در دورهٔ حکومت شوروی، ساختن ماشین‌آلات آبیاری دامنه واقعا بیسابقه‌ای کسب کرده است. آغاز گزراهای بزرگ مربوط به اقتصاد آب، بر اساس کاملاً جدید اجتمالی و اقتصادی، بر اثر صدور فرمان تاریخی مورخ ۱۷ ماه مه سال ۱۹۱۸ دولت شوروی، که مباحثه و ای. لنین ریستورواپارهٔ انحصاری ۵۰ میلیون روبل برای امور آبیاری در ترکستان و درباره سازمان دادن امور هرزه‌ری صلی گردید. در نتیجه اقدامات سرزمور ۱۶۵ هزار هکتار آراضی جدید در دست گرسنه‌آباد و آبیاری شد.

در حال حاضر سازمانهای علمی تحقیقی و برنامه‌ریزی در زمینه انتقال آب رودخانه‌های سیری به جنوب کشور فعالیت میکنند. کمالی که برای این منظور ساخته خواهد شد، بصورت رودخانه مصنوعی خاصی به طول ۳۷۰ هزار کیلومتر و عرض ۳۵۰ الی ۴۰۰ متر و بسط ۱۲ تا ۱۵ متر خواهد بود. هیچ چنین ساختنی در امور ساختن ماشین‌آلات آبی جهان واقعا بیسابقه است. رود مزبور در واقع دومین جبهون آسیای میانه خواهد بود.

ترقی و پیشرفت آموزش در جمهوری ازبکستان یکی از صفحات برجسته تاریخ فرهنگ ازبکستان شوروی است که در آن، تا قبل از انقلاب ۹۸ درصد سکنه بکلی بیسواد بودند. در حال حاضر ازبکستان، علمبرگ و پیشگوییهای جامعه انسانان و سیاستمداران فریب، که اظهار میداشتند در سه‌کسی بیسواد از ترکستان قرن‌ها طول خواهد کشید، تبدیل به نخبه‌ای شده است که همهٔ مردم آن پاسواژ هستند. در ۱۹۵۸ دبیرستان جمهوری، ۳۸۷۵۸۸ هزار دانش‌آموز مشغول تحصیل هستند. در جمهوری ۴۷۶ آموزشگاه حرفه‌ای فنی دایر است، که ۲۱۱ هزار نفر در رشته‌های مختلف فنی در این آموزشگاهها به کسب علم اشتغال دارند.

دانشگاه دولتی، که در سال ۱۹۲۰ پیرو فرمان ولای لنین دشهر تاشکند تأسیس شد، اولین آموزشگاه عالی آسیای میانه بود. آکفرد در جمهوری ازبکستان ۳ دانشگاه و ۴۲ آموزشگاه عالی وجود دارد، که در آنها ۲۷۰ هزار دانشجو مشغول تحصیل هستند.

آخرین سخنران این مراسم، آقای قاضی، معاون وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران بود. او از جمله گفت:

خوشوقتم که در مراسم روز ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران شرکت مرنامیم. همانطور که مستحضرید، این اولین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی می‌باشد، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برپا میشود و هم زبان با تحریم اقتصادی غرب علیه ایران است. کالبه این تحریم خود عامل مثبتی در جهت تسریع حرکت ما بسوی هدف توسعه اقتصادی و کاهش هرچه بیشتری وابستگی اقتصادی و حصول به خودکفائی نسبی می‌باشد. ایران و شوروی از قدیم‌الایام با یکدیگر دارای روابط بازرگانی گسترده‌ای بوده و تعارض دو کشور هم‌تنها به سباده کلاهتیکه ساخت یکدیگر مبادلت می‌ورزیدند، بلکه از راههای یکدیگر در امر مبادله با کشورهای ثالث نیز بهره‌میکرفتند و شوروی همواره راه طبیعی ملطن و نزدیک برای تجارت ایرانی، که بسا اروپا روابط تجاری داشتند، بوده است.

اصولاً بازارهای طبیعی و اولین بازار فروش و یا منبع تأمین کالاها همسایگان هر کشور می‌باشند، بویژه اینکه دو کشور بزرگ و امروزی بسیار طولانی‌همسایه یکدیگر باشند.

دو کشور بزرگ ما نه‌تنها دارای سوابق تاریخی و روابط سنتی و فرهنگی با یکدیگر می‌باشند، بلکه انقلاب شکوهمند اسلامی ایران فرصتها و امکانات جدید و بسیاری را برای بسط و توسعه همکاریهای اقتصادی و مبادلات بازرگانی بین دو کشور بر اساس منافع متقابل دوستی، حسن همجواری، تساوی حقوق، احترام به حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر فراهم آورده است.

طی سالهای اخیر شوروی از طرفهای عمده تجاری ایران و بویژه بزرگترین خریدار کلاهتیکه صادراتی سنتی و صنعتی غیرنفتی ایران بوده است. همچنین از صنایع عمده تأمین کننده بعضی از کلاهتیکه وارداتی ایران نظیر ماشین‌آلات، آهن‌آلات، چسب و تخته و تراورس، کاغذ و مقوا، سیان، مواد شیمیائی، کود شیمیائی و پنبه‌سوز بوکه است.

دو کشور تاکنون طرحهای بزرگ مشترک‌صنعتی نظیر کارخانجات ذوب آهن، ماشین‌سازی، نیروگاه برق، سیلو، سمسازی داشته‌اند.

گو اینکه بعد از انقلاب اسلامی ایران مشکلات اجتناب‌ناپذیر فانی از هر انقلاب بزرگ و وقتهای در همکاریهای اقتصادی و اجرای طرحهای مشترک سنتی پیش آورد، لیکن طی ماههای گذشته مذاکرات متعدد و توافقات سودمندی در جهت تسکین طرحهای تمام و توسعه همکاریهای اقتصادی فی‌مابین صورت گرفته است. در مژگون گذشته همین اجلاس کمیسیون دائمی مشترک وزیران دو کشور برای همکاریهای اقتصادی و فنی در مسکو تشکیل و با اضاای پروتکل مربوطه، تصمیمات مقتضی در مورد طرحهای همکاریهای اقتصادی بین دو کشور در زمینه‌های گوناگون و توسعه آمین همکاریها اتخاذ نمودند.

با اضاای قراردادی در زمینه امور ترانزیت بین دو کشور، که در ستایش جاری در مسکو پاران گردیده، گام مثبت دیگری در زمینه همکاریهای فی‌مابین برداشته شد. بخصوص با توجه به مشکلاتی که پیش از انعقاد قرارداد مذکور در امر ترانزیت فی‌مابین وجود آمده بود، امید می‌رود با انعقاد این قرارداد، بنیعد مسئله‌های در امر ترانزیت بین دو کشور پیش نیامده و این قرارداد عامل تحکیم مناسبات تجاری فی‌مابین باشد.

هم‌اکنون نیز جناب آقای گرشین، معاون وزیر بازرگانی خارجی شوروی، در رأس هیئت عالی‌رتبه‌ای که جناب آقای آشور علی‌رفه معاون رئیس شورای وزیران جمهوری ازبکستان نیز هیئت را همراهی می‌نمایند، در تهران بسر می‌برند، که طی روزهای گذشته تبادل نظر-های مفید و ترمیمی در زمینه مسائل مختلف بازرگانی بین دو کشور و طرفی افزایش آن با ایتیان داشته‌ایم. باتوجه به اولویت اول برنامه اقتصادی ما، که حصول به استقلال اقتصادی می‌باشد، بدیهی است که مبادلات تجاری نیز بایستی با هدف انتقال تکنولوژی به ایران انجام پذیرند.

ملی‌شدن تجارت خارجی ایران، که بموجب اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی انجام میگردد، کنترل امر مهم تجارت خارجی را بدمستحولات میدهد، تا تجارت خارجی را در جهت تحقق هدف استقلال اقتصادی کشور سوق دهد.

امینوارم شرکت توسعه شوروی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی ایران گام مثبت دیگری در جهت افزایش مبادلات بازرگانی بین دو کشور و انگیزه خوبی برای توسعه همکاریهای اقتصادی بر اساس مترنغ متقابل باشد.

ضدانقلابی، عملی است به زبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به‌سود دشمن سرنگند خورده ما امپریالیسم بر کردگرمپریالیسم آمریکا.

با کمال تأسف دیده میشود که بازم هستند کسانی که بدانند که انقلاب می‌آیند و اغلب از این راه است که در گوشه و کنار کشور، از جمله در مازندران (قدش) و یادر آذربایجان (ارومیه)، در گیلان و یادر کرمان (سپاد) و غیره درگیری، غفلت و تشنج ایجاد میشود. گناه‌گناه دیده می‌شود که بعضی اعمال نسنجیده برخی مقامات قوای قضائیه، اجرائیه و غیره جمهوری اسلامی در ایران

نیاز خواه ناخواه سبب ناراضی و تشنج میشود. بطوریکه دانستن کل جمهوری اسلامی ایران آیت الله موسوی اردبیلی متذکر شدند، یک‌نزدگاه انقلابی بدون اطلاع دستگاه قضائی کاری میکند که در شان قوهٔ قضائیه جمهوری اسلامی ایران نیست. یا یک کارمند آموزش و پرورش از دانش‌آموز تصدیق می‌خواهد که به نوشته استاد علی تهرانی، موسیله‌ایست برای جلوگیری از حضور نوجوانان ما در صحنه سیاست و دباصالح عالیه اسلام و انقلاب اسلامی متضاد است. در شرایط کنونی، که عوامل امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب

پروردانش سخت در کین‌اند، تا از هر فارسانی در امور و ناراضی بسود خود و برای ایجاد تشنج علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بهره‌گیرند، بر همه مردم و همه نیروهای راستین انقلاب است که رهنمودهای رهبر انقلاب را نصب‌العین خویش سازند، نهایت هوشیاری را با حداکثر مسانت انقلابی توأم کنند. مصالح اصولی و عمومی نظام انقلابی را بر هر چیز دیگر مقدم سازند و با همکاری نزدیک با نهادهای انقلابی و ارگانی دولتی جمهوری اسلامی، از هرگونه درگیری، تشنج آفرینی و غلبه‌سازی جلوگیری کنند.

# حزب کمونیست عراق: اکنون هماهنگی کامل میان سیاست امپریالیسم امریکا و رژیم عراق بر ضد ایران پدیدار شده است

آخرین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، که اواخر تیرماه برگزار شد، در اعلامیه‌های نظر حزب برادر را درباره مهم‌ترین مسائل داخلی، منطقه‌ای و جهانی ابراز داشت. ما در زیر چکیده‌ای از این اعلامیه را از نظر خوانندگان میکذاریم:

## تعمیق بحران داخلی رژیم بعث عراق

رویدادهای ماههای گذشته کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، پلنوم ژوئیه (فایستان) سال پیش را به ثبوت رسانیده است. در این مدت بحران داخلی رژیم رژیم ژوئیه شد. یکی از مظاهر این بحران مبارزه‌های خونی حزب توده با بنیاد اسلام و اصلاح عقیم گذاشتن یک توطئه کودتایی علیه صدام و داروستانش، ۲۱ تن از شخصیت‌های برجسته رهبری حزب بعث، از جمله عضو رهبری منطقه‌ای، امدام، دهبا کادر سیاسی و نظامی دستگیر و به حبس‌های سنگین محکوم و هزاران عضو و هوادار حزب بعث «پاکسازی» شدند.

شوونیسم و خودکامگی داروستان حاکم در برابر مسئله ملی، بحران کردستان را عمیق‌تر کرد. سیاست ارتجاعی مخالفت با حقوق ملی خلق کرد، بازستانی حقوق اعلام شده و پیگیری سیاست «کردزایی» و «مادامه مردم کرد در سکنه عرب هرچه بیشتر شدت می‌یابد. از سوی دیگر، نیروهای کرد مبارزه خویش را علیه داروستان دیکتاتوری گسترش بخشیده‌اند. امروزه، بخش بزرگ ارتش عراق در کردستان تمرکز یافته و آنجا را به سرزمینی اشتغالی تبدیل ساخته است.

سیاست تبعیض‌نژادی و مذهبی خشم توده‌های مردم را برانگیخته است. امدام‌های گروهی، پاکسازی دهبا هزار نفر و جبارول و مصادره دارائی آنها، فقر مردم را از داروستان صدام‌حسین روزافزون می‌سازد.

## اتزوای روزافزون رژیم صدام حسین

پایه‌های عریان‌شدن دیکتاتوری فزونی و رسواگشتن شمارهای توخالی «دکراسی»، «ترقی» و غیره صدام‌حسین، بی‌زاری مردم از حزب حاکم افزایش می‌یابد. رسوایی صدام و داروستانش تنها در محدوده جغرافیایی عراق باقی نمی‌ماند. با وقوع هرچه بیشتر خلق‌های منطقه و جهان و دولت‌های مترقی به سیاست فریب، دروغ و تروریسم صدام و هتکارانش، رژیم عراق به انزوا کشیده می‌شود.

رژیم عراق، برای خروج از این بن‌بست، کندی انتخابات «مجلس ملی» و «مجلس منطقه خودمختار» را بپا کرد و خواست به جهانیان بنمایاند که گویا در عراق اراده مردم و دیکراسی حاکم است. درحالی‌که در این انتخابات، احدی بدون موافقت کامل گردانندگان رژیم بعث حق نامزدی را نداشت.

## تشدید وابستگی به امپریالیسم

سیاست اقتصادی رژیم هرچه بیشتر به وابستگی عراق به کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری منبجست. در چارچوب‌های گوناگون سیاست انحصارات امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی عضو «اوپک» و علیه مصالح و هدفهای مبارزه خلق‌های منطقه همتانگ می‌شود و به استقرار مناسبات اقتصادی برابر در پهنه بین‌المللی لطمه وارد می‌آورد. مناسبات اقتصادی عراق با کشورهای پیشرفته

سرمایه‌داری تنها به وارد کردن کالاهای غیر ضروری و استخدام کارشناسان محدود نیست، بلکه همچنین توسعه قراردادهای تبلیغاتی با شرکت‌های انحصاری چندملیتی را در بر می‌گیرد. این سیاست‌های آمده‌های عراق را بی‌بند انحصارگران غرب سرازیر میکند و استقلال و حاکمیت ملی ما را بخطر میاندازد.

پیروی از سیاست «درهای باز» سبب شده است که هرچه بیشتر، ارز کشور در راه خرید کالاهای بی‌نجل کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی به‌رود و به تولید و رشد صنایع ملی ضربه‌های سنگین وارد آید. پایبندی تحکیم مناسبات اقتصادی با کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی، حجم مبادلات بازرگانی عراق با کشورهای سوسیالیستی و رشد پاینده رویکاهش می‌رود.

سیاست نفی رژیم آشکارا در جهت عکس مصالح ملی عراق و بسود انحصارات نفی سیر میکند. مذاکرات اخیر کشورهای عضو «اوپک» نمایانگر تانی و همتانگی رژیم عراق با عربستان سعودی علیه آن دسته از کشورهای تولیدکننده نفت است، که خواستار افزایش بهای نفت هستند. اصرار عراق و عربستان سعودی در افزایش تولید و صادرات نفت، ضربه‌ایست به آن گروه از کشورها، که از به‌رودادن ثروت ملی خود خودداری می‌ورزند. افزایش صادرات نفت عراق سبب شده است که انحصارگران جهانی از کاهش میزان استخراج و صدور نفت ایران دچار مضیقه نگردند و کمبودی را، که از این بابت پدید آمده است، از راه افزایش خرید نفت عراق جبران کنند. چنین می‌نماید که زمامداران عراق در نظر دارند میزان استخراج نفت را به ۵۰ میلیارد بشکه در روز برسانند - اقدامی که نه از نظر اقتصادی قابل توجه است و نه پاسخگوی مصالح ملی و اجتماعی ماست. اصرار رژیم عراق برای فروش نفت به بهایی کمتر از دیگر کشورهای عضو «اوپک» (یعنی عربستان سعودی) سبب شده است که تنها در سال ۱۹۷۹ هشت میلیارد دلار ثروت خلق عراق به جیب انحصارات امپریالیستی و دلالت آنها، از جمله اطرافیان صدام و جارجیان خارجی رژیم او، سرازیر گردد.

استخراج برهیده نفت از یک سو و بی‌کفایتی تلنبار کرده و عراق را در بانکهای کشورهای امپریالیستی تلنبار کرده و از سوی دیگر به تورم توافرنس انجامیده است - امری که هم برای اقتصاد ملی عراق زیانبار بوده و هم بار سنگینی بر دوش زحمتکشان ما نهاده است.

## همکاری بار رژیم‌های ارتجاعی منطقه و مقابله با کشورها و جنبش‌های مترقی

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق در سال گذشته رژیم عراق را بعنوان رژیم نفی‌افکن، خرابکار و توطئه‌گر توصیف کرده بود. رویدادهای ماههای اخیر بخوبی صحت این ارزیابی را بشبوت رسانیده است.

همکاری‌های رژیم عراق و حکومت ارتجاعی عربستان سعودی را دیگر نمیتوان برده پوشید. رژیم عراق همواره در راه ایجاد محور عراق - عربستان سعودی - اردن علیه سوریه، جبهه پایداری و انقلاب فلسطین غلاتی می‌ورزد. اعلام نظریه پیشبینی از هر عرب علیه هر یگانه‌ای، در کنگره سران کشورهای عرب در تونس بیانگش می‌انحرافی رژیم عراق است. اعطای دهبا میلیون دلار به این اقدام عملاً ضدانقلابیست، زیرا مرتکبین آن، علیرغم رفتی، در شرایطی که ضرورت تأمین اتحاد کلیه نیروها علیه تحریکات و توطئه‌های دشمنان اصلی، امپریالیسم آمریکا، رژیم بعث عراق و عوامل آنها امری گریزناپذیر و حیاتی است، به ایجاد تشنج در میان کارگران پرداخته‌اند و درگیری بین نیروی انتظامی و کارگران را تحریک کرده‌اند.

مرتکبین، همچنین با حمله به توده‌های انقلابی، یعنی مدافعان صدیق و پیگیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در واقع جبهی دشمن، دوستو متحد را زیر ضربه ترار داده‌اند، که بازهم، علیرغم هر رفتی، عملاً اقدامی مستقیماً بسود دشمن است. ما نسبت به این عمل‌غیرانسانی، غیرقانونی و ضدانقلابی شدیداً متضرسبم و آزادی قوری و بدون قید و شرط غلامرضا جواهری و نیز بازگرداندن وی در یکارخواستاریم.

سومال، رژیم که خاک کشورش را برای ایجاد پایگاه‌های نظامی در اختیار امپریالیتهای آمریکائی گذاشته است، پاداش موضع‌گیری سومال علیه شوروی واتبوهی است.

عراق در دوران گذشته علیه جمهوری دمکراتیک خلق چین به انواع توطئه‌ها متوسل شده است و تبلیغات زهرآگین محافل امپریالیستی و ارتجاعی را علیه این کشور تکرار میکند. عراق همچنین سیاست اتحاد جواهر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را مورد حمله قرار میدهد.

## «منشور صدام حسین» برنامه دوستی با ارتجاع و دشمنی با نیروهای مترقی

«منشور صدام حسین»، که در آن از همه کشورهای ارتجاعی راست‌گرای عرب برای ایجاد پیمان «همبستگی» اعراب و استقلال دعوت بعمل آمده است، هدفش مبارزه با رژیم‌های مترقی عرب، گسستن همبندی دوستانه دولتهای صدام‌پرالیستی عرب و اختلال در همبستگی میان رژیم‌های مترقی عرب با اتحاد شوروی در یکسار مشترک علیه امپریالیسم است - همان همبستگی که ضامن استقلال ملی و پیروزی این کشورها در مقابله با دسیسه‌های خصمانه امپریالیست‌ها و صیونیست‌هاست.

نظور از برگرداندن اصلاح کنگره خلق عرب در روزهای ۱۳ فروردین ۱۳۵۹ به بغداد، تأیید منشور صدام‌حسین، بود. هدفهای این «منشور» عبارتست از: تجزیه جنبش آزادی‌بخش ملی خلق‌های عرب، رویارویی با «کنگره ملت عرب»، مرکب از همه نیروهای ملی و مترقی عرب، مقابله با «جبهه پایداری»، توازش و گسردآوری سرسردگان دیرینه استعمار انگلستان و مزدوران سادات، خصومت با جمهوری دمکراتیک خلق چین، اختلال در کار جبهه ملی و دمکراتیک بین شمالی، آتش‌کشی بسوی سوریه - درست در هنگامیکه این کشور درگیر توطئه‌ها و تهدیدات امپریالیسم، تجاوزات اسرائیل و خرابکاری گروه‌های ارتجاعی داخلی است.

## سیاست ضد فلسطینی

رژیم عراق همین سیاست را درقبال انقلاب فلسطین و سازمانهای رزمنده فلسطینی دنبال میکند. این رژیم تفرقه‌افکنی و تصنیف فعالیت‌های سازمانهای فلسطینی را بخشی از برنامه خود ساخته است. بستن دفاتر «جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین» و «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» و اخراج ۳۲ خانوار فلسطینی نمونه‌هایی از اقدامات ضد فلسطینی دارو دسته صدام حسین است، که درست همزمان با پیشبینی ملک‌حسین از انعقاد قرارداد جداگانه صلح در مورد کرانه غریم رود اردن و بدون شرکت سازمان آزادی‌بخش فلسطین، صورت می‌گیرد. شکست «کنگره بغداد» در فروردین ۱۳۵۹ نشان داد که جنبش آزادی‌بخش ملی عرب به برداشت‌ها، نقشه‌ها و نتیجه‌گیریهای ارتجاعی و راست‌گرایانه و دسیسه‌های سلطه‌جویانه داروستان حاکم عراق جواب رد میدهد. آخرین گردهمایی «جبهه پایداری» سیاست‌زمامداران بغداد را محکوم کرد و ضرورت تقویت پیوند دوستی با اتحاد شوروی و مبارزه با امپریالیسم آمریکا، بمثابة

بزرگترین دشمن اعراب، را یادآور شد. رژیم عراق، با موضع‌گیری‌های خود و پیروی از سیاست‌های ارتجاعی و خرابکارانه، هرچه بیشتر از صوف جنبش آزادی‌بخش ملی عرب دور و به امپریالیسم و ارتجاع عرب نزدیک می‌گردد.

## همکاری با عربستان سعودی و دیگر کشورهای ارتجاعی عرب

همکاری با عربستان علیه خلق‌های شبه‌جزیره عرب، سوریه و جنبش مقاومت فلسطین، همدستی با پادشاهان اردن علیه نیروهای ملی اردن و خلق فلسطین، پشتیبانی از داروستان میدالتوی مکاری، منسر مرتجع و ضد خلقی، یمن، تأیید آشکار از پادشاه مراکش علیه الجزایر، خلق صحرا و «پولیساریو»، موضع‌گیری علیه «جبهه ملی صحرایی» و ارضای خاطر سادات، مذاکره با قابوس علیه خلق‌های عمان و یمن دمکراتیک، حمایت از امیر بحرین علیه خلق بحرین، هواخواهی از سباده‌ها علیه انقلاب اتبوهی، نادیده گیری تحولات نظامی، که رژیم‌های اتبوهی، عمان و بحرین به دولت‌های امپریالیستی واگذار کرده‌اند، پرداخت دهبا میلیون دلار برای خرید مزدوران داخلی و خارجی - اینست نمونه‌هایی چند از سیاست‌زمامداران کونی عراق.

رژیم عراق از دوستی با کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی منحرف می‌شود، از راه همکاری با عربستان سعودی، اردن، آتش و پاکستان، متحدان آمریکا، از در دوستی با واشنگتن درمی‌آید و با افغانستان، ایران، یمن دمکراتیک و سوریه - دشمنان آمریکه به مقابله برمی‌خیزد.

## موضع خصمانه رژیم بعثی در برابر انقلاب ایران

در این زمینه، موضع فرمانروایان عراق دربار انقلاب ایران بس‌گویاست. آنها تا آخرین دقیق از رژیم شاه پشتیبانی کردند. اکنون همتانگی کامل میان سیاست امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق پدیدار شده است. هر چند میان این دو دولت رابطه مستقیم دیپلماتیک وجود ندارد، این رابطه و همکاری، بطور غیر مستقیم، از طریق نیروهای ضدانقلابی و ارتجاعی ایران و فراریان رژیم شام مخلوع برقرار گردیده است. رژیم عراق، برای خوش‌خدمتی به امپریالیسم آمریکا، در ایران به خرابکاری و آنتوب می‌پردازد. دشمنان انقلاب ایران را مجبور و صلح‌میکند و به تجاوز به مرزهای آن کشور دست می‌زنند.

حزب ما، حزب کمونیست عراق، همه نیروهای ملی مخالف رژیم دیکتاتوری را فرا می‌خواند، تا با اتحاد و تحکیم هرچه بیشتر صفوف خود در جبهه‌ای ملی و دمکراتیک، در راه واژگونی رژیم دیکتاتوری بکوشند، خلق عراق را از شر جنایات این رژیم رهایی بخشند، رژیم دمکراتیک را، که در آن خلق کرد به خودمختاری راستین دست یابد، پایه بنهد و راه ترقی و شکوفایی رابه مردم عراق بکشایند.

مبارزه‌مان را وحدت‌بخشیم و صف‌هایمان را فشرده‌تر سازیم! مرگ بر رژیم دیکتاتوری! پیروزی از آن خلق رزمنده ماست!

## سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفتی (شرکت ملی نفت ایران) پشتیبانی مجدد خود را از امام خمینی اعلام میدارد

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفتی (شرکت ملی نفت ایران) بنسبست تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران اعلامیه‌ای انتشار داده است. در این اعلامیه آمده است: «بنام خدا اکنون که انقلاب شکوهند ملت فیور ایران می‌رود تاجهائیکر شود و ریشه‌های پوسیده حکومت‌های دست‌نشانده را در منطقه از بین برکند، دولت‌خائن بعثی عراق با همکاری سرسپردگانی چون سادات خائن و اسرائیل غاصب، یا دست‌زدن به اصالت تنگین و خیانتکارانه‌ای، که عملاً از آریاب

## کارگر توده‌ای به اتهام تبلیغ نظریات حزب توده ایران به اخراج ۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم گردید!

ما نسبت باین اقدام ضدانسانی، غیرقانونی و ضد انقلابی بشدت اعتراض می‌کنیم.

چندی قبل رفیق غلامرضا جواهری، کارگر کرخانه پوشش شهرستان رشت و عضو شورای این کارخانه، باتهام واهی اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی و بیوجیب حکمی به اعضای استنادار گیلان و سرپرست حیات پاکسازی استان گیلان، از کار اخراج گردید. این اقدام آشکارا غیرقانونی و نادرست، اعتراض بحق کارگران کرخانه را برانگیخت. ولر متأسفانه واکنش مسئولین در قبال اعتراض بجای کارگران، دستگیری گروهی از کارگران، از جمله رفیق غلامرضا جواهری بود، که وی را به‌فاصله چند روز محاکمه و به‌اتهام تبلیغ علیه جمهوری اسلامی و شاه‌میرام حزب توده در کارخانه، به ۵۰ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم نمودند! این اقدام، آشکارا غیرقانونی است، زیرا بدون هیچ‌دلیلی، تنها براساس بیانه‌های واهی یک کارگر زحمتکش را، که نماینده کارگران نیز هست، از کار اخراج کرده و سپس صرفاً بجرم توده‌ای بودن وی را به‌زندان و شلاق محکوم کرده‌اند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نقشه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئوله منوچهر پیرزانی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم هنوز در اختیار نامه مردم نیست) NAMEH MARDOM No. 343 28 September 1980